

تظاهرات و راهپیمایی های اول ماه مه

میلیونها کارگر در سراسر جهان، در روز اول ماه مه با بیانی تظاهرات، راهپیمایی و جشن، روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. اعضاء، فعالین و هواداران سازمان ما نیز همکام با کارگران جهان در کشورهای مختلف به برگزاری این روز پرداختند.

صفحه ۴

آیا جمهوری اسلامی را راه نجاتی هست؟

در مرور سخت گیری کمتر نسبت به مسائل جاری جامعه، فرضاً در برخورد با مستله حجاب و آزادیها، با سایر کسانی که خارج از حاکمیت و جناح های آن بر ساخت گیری کمتر در مقاطعه کنونی تاکید دارند و بیان آزادیهای سیاسی دفاع میکنند، خط و مرز روشی میکشند و طور مشخص خود را مدافعان «تسامح اسلامی» میدانند! و تصریح میکنند که نه از آزادیهای سیاسی، که از آزادیهای شرعی دفاع میکنند و فرضاً آزادی پوشش را «تسامح غیر دینی» میدانند و شلیلی با آن مخالف اند. خواست اینها در اساس این است که صاحبان قدرت از دامنه افراط بکارند و در مرور خود آنها کمتر سخت گیری کنند، آزادی و اختیار بیشتری به آنها بدهند و این ها ممکن است با هدف بهتر اداره کردن جمهوری اسلامی و تامین بقاء آن مطرح میشود و گزنه در مخالفت با آزادیهای سیاسی و ضلیلت با زنان حقوق آنها، از جناح رقیب خویش، هیچ چیزکم ندارند.

نکه دوم و مهمتر آن است که در جریان این جمله ناظهار نظر ها، این حقیقت بار دیگر بر زبان آنها نیز جاری میشود که برغم دو دهه اعمال سرکوب و وتفقلان و برغم تبلیغ و ترویج مذاوم سیاستهای ارتقای و منهجه و دست اندیزی به زیلایی زندگی مردم و دخالت در امور شخصی افراد، مردم ایران نه فقط به این فشارها و دخالت ها و مغز شوئی های ارتقای حاکم تن نسپرده اند، بلکه در برابر آن به مقاومت و مقابله جانانه ای هم دست زده اند، حتی رودروری مترجمین ایستاده و پرسینه جمهوری اسلامی و سیاستهای آن، دست رد زده اند.

صفحه ۵

در گیری هزاران قن از مردم منطقه پل ساوه
با نیروهای دولتی

صفحه ۱۲

در این شماره

صفحه ۴

صفحه ۱۱

صفحه ۱۲

صفحه ۱۶

صفحات ۶، ۱۰، ۱۲

اخبار از ایران

صفحه ۱

اطلاعیه مشترک بمناسبت اول ماه مه

صفحه ۱

اطلاعیه های سازمان

اطلاعیه سازمان بمناسبت اول ماه مه

گرامی باد

اول ماه مه

صفحه ۳

چشم انداز بحران سیاسی

سازمان ما در نخستین ازیزی های سیاسی خود از روند انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی در ۲ خرداد ماه ۷۶ و انتخاب خاتمی، پیش بینی کرد که با آغاز زمام داری وی، تضادها و اختلافات درونی جناحهای هیئت حاکمه به شدت حد خواهد شد، بحران سیاسی ابعاد بسیار وسیعی به خود خواهد گرفت و خلاصه کلام لینک، خاتمی رسالتی جز تشدید بحران نثارد. اکنون که حلوه یک سال از خرداد ۷۶ سپری شده است، روند عینی تحولات صحبت این ازیزی را نشان داد. چرا که هم اکنون تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه به درجه ای حاد شده و بحران سیاسی به چنان مرحله ای از رشد و تکامل خود رسیده که تمام ارکان حکومت اسلامی را به لوزه درآورده است. طی چند ماه اخیر، جمهوری اسلامی با چنان تلاطمی روی رو بوده که در طول حیات و موجویت لین رژیم کم نظر بوده است. در نتیجه این بحران و این تلاطم، دستگاه حاکمه از همه سو شکاف برداشته و حقیقتاً در حال فروپختن است. این اوضاع به وجود نشان میدهد که هیئت حاکمه دیگر نیتواند به شیوه گشته حکومت کند. انعکاس بن بست و فربیاش رژیم جمهوری اسلامی در بالا و در هیئت حاکمه تنها در این واقعیت خلاصه نمیشود که جناح های هیئت حاکمه با انشقاق و اختلافات حاد روپروردند و به رودروری آشکار و علیه با یکیگر برخاسته اند بلکه در این است که دستگاه دولتی با تمام نهادها و ارکانهای شکاف برداشته و در حال تجزیه شدن است. دیگر از انسجام دستگاه دولتی، تمرکز این دستگاه زور و سرکوب، و رابطه ارکانیک اجزاء آن نمیتوان سخن گفت. ارکانهای سیاسی - اداری یا دقیق تر سیستم بوروکراتیک - اجرایی دستگاه دولتی، برای خود عمل میکند و ارکانها و زندانها نیز به میل خود. دستگاه ارادگاه و نهادهای سرکوب فیزیکی، نیروهای مسلح، دادگاهها و زندانها نیز به میل خود. دستگاه قانونگذاری حکومت هم کاملاً در شفه شده است. دستگاه روحانیت که در دستگاه دولتی حکومت اسلامی از جایگاه و موقعیت ممتازی برخوردار است، با همین انشقاق ها و تضادها درگیر است. شکاف و تضاد در درون هر یک از این ارکانها و نهادها نیز به درجات مختلف رشد کرده است. خود مختاری به معنای هرج و مرچ آن حاکم است. اutorیته ارکانها، صفحه ۲

نظری به واقعیت های گذشته

سازمان

(مصاحبه با رفیق توکل)

بنمنظر روشن تر شدن حقایق مربوط به دوران شکل گیری «اقلیت» و «اکثریت» و انشعاب سال ۱۳۵۹ در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، نشیوه کار مصاحبه ای با رفیق توکل انجام دادکه قسمت اول آن در شماره پیشین نشیوه کار به چاپ رسید و در این شماره نیز بقیه این مصاحبه چاپ میشود. صفحه ۷

سیاستهای خاتمی زدوده خواهد شد و متوجهین بهمراه بی طرفان به اردوی مبارزه علیه حکومت خواهند پیوست و به جنبش توده ای بعادی وسیع تر خواهند داد. در اینجاست که بحران سیاسی وارد مرحله جدی میشود که همه شرایط عینی سرنگونی حکومت در آن جمع است.

اما این یک جنبه روند تحول بحران و چشم انداز آن است. تا هنگامی که به آن نظره برسیم، طبقه حاکم، دولت سرمایه داران و جناههای هیئت حاکمه چه خواهند کرد؟ در اینجا همه محاسبات و ارزیابی ها مقام بر هر چیز وابسته به سرعت رشد و اعتلاء. جنبش توده ای کارگران و زحمتکشان ایران است. طبیعی است که هیئت حاکمه نیز بیکار نخواهد نشست و بسته به این که جنبش توده ای در چه سطحی و در کدام مرحله از رشد و تکامل خود قرار گرفته باشد، از ابزارها و شیوه های مختلف برای کنترل و مهار آن استفاده خواهد کرد. تا این زمینه از هیچ اتفاقی فوکار نخواهد کرد، تا موجودیت رژیم را حفظ کند. معهدها هر کاری که در این زمینه بخواهد انجام دهد، لازمه اش این است که بحران درونی خود را حل کرده باشد. اما میباشیم که این بحران بیویه در مرحله کوتوله آن امری نیست که به سادگی حل شود. این بحران نه به اراده و خواست آنها شکل گرفته و نه با عنم و اراده این با آن جناح و یا تلاش و سازش مشترک آنها پایان خواهد یافت. بحران درونی دستگاه حکومت وابسته و زانیده بحرانهای دیگری است. یعنی بحران ژرف اقتصادی و سیاسی جامعه. دقیقاً این بحرانهای که رژیم را با تلاطمات شلید روپرور ساخته و جناههای حکومت را به رو در روشی و مقابله با یکیگر کشانده است. مساله ای که هم اکنون آنها با آن روپرور هستند این است که برای مقابله با رشد ناراضیتی و اعتلاء روزافروز جنبش توده ای، کنترل بحران اقتصادی و سیاسی چه باید کرد؟ و بر سر پاسخ به همین مسائل است که دستگاه حکومتی با شکافی عمیق روپرور شده است.

پس از آنکه ناتوانی حکومت اسلامی در اداره امور، حل بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، شکلی عربان و اشکار بخود گرفت و رشد مبارزه توده ای به تهییم جملی برای حکومت تبلیل شد، جناههای از هیئت حاکمه به این نتیجه رسیدند که دیگر نمیتوان به شیوه گذشته، و با همان سیاستها و تاکتیکها، حکومت کرد و موجودیت نظام را حفظ نمود. این دستجات که اکنون باصطلاح جناههای دورانیش هیئت حاکمه را تشکیل میکنند، براین اعتقادند که باید به انحصار قدرت در دست یک جناح و یا جناههای منافع کل طبقه بورژوا. لذا براین اعتقادند که در این چارچوب با باید امکان رقبت آزادانه میان جناههای مختلف حکومت وجود داشته باشد و در همین راستا، آزادیهای سیاسی برای طرفداران رژیم جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شود. این جناح در عین حال میخواهد که در چارچوب جمهوری اسلامی، توده مردم نیز از آزادی محدودی بخوددار باشند و از شدت فشارهایی که در عرصه سیاسی و اجتماعی به مردم وارد میشود و آنها را به سرحد انفجار رسانده است کلته شود. این راه حل خاتمی و جناح های موتلف او برای حل بحران سیاسی است. این جناههای در عرصه اقتصادی نیز، خواهان محیطی امن برای سرمایه و جلب حمایت سرمایه های داخلی و بین المللی برای حل بحران اقتصادی هستند. لذا در تلاش اند تا در عرصه بین المللی مناسبات رژیم را با قدرت های اقتصادی جهان بهبود بخشدند و از آنها برای حل بحرانها یاری طلبند.

جنابهای آن نداشتند در آن مقطع به علت عقب ماندگی عامل ذهنی، یعنی فقلان تشکل، تمرکز و رهبری و نتیجتاً فقلان چشم انداز، توان سرنگونی حکومت را در خود نمی دینند، لذا بین بد و بتر، یکی را انتخاب کردن. بخشی هم از روی توهم به خاتمی رای دادند. لذا

کسبتی در مبارزات اعتلاء، یافته سالهای قبل از آن صورت گرفت، تا جائی که ما در یک سال گذشته شاهد اعتلاء جنسنهای اعتراضی و قام ها و تظاهرات سالهای مثلاً جنسنهای اعتراضی و قام ها و تظاهرات سالهای ۷۴ و ۷۵ نبوده ایم. نتیجتاً امروز در حالی که بحران دستگاه حکومتی به اوج خود رسیده است، از اعتلاء، گسترده جنبش توده ای خبری نیست و کارگران و زحمتکشان هنوز به شکلی گسترده و سراسری، به عنوان یک نیروی مستقل از جناههای حکومت و درگیریهای آنها وارد صحنه نشده اند. حرکتهای اعتراضی محلودی که امروز به شکل علنی صورت میگیرد، عملت از سوی طرفاران و موتلفین خاتمی در میان بخشی از داشجوبیان و قشر محلودی از خود بورژوازی مرغه است. اما در این میان یک جنبش مستقل نیز در حال شکل گیری است که نیروی اصلی و پیشگام آن را کارگران تشکیل میکنند. در همین چند ماه گذشته مکرر با اعتراضات، اعتصابات، و حتی راهپیماییهای اعتراضی کارگران کارخانه ها، بیکاران و نیمه پرولتها روبرو بوده ایم. در همین حال در میان روشنفکران، مصلحین و داشجوبیان و دیگر اشاره غیرپرولتری نیز جنبشی مستقل از جناح های حکومت و دعوا و مراجعته های آنها در حال شکل گرفتن است. هر چند این جنبشها هنوز در سطحی محدود و اعتلاء سریع و همه جانبی آنها وجود دارد. آنچه که اکنون مقدم برهز چیز توده کارگر و زحمتکش را به رود روحی مستقیم تر و گسترده تر با حکومت سوق میکند، تشیید بحران اقتصادی است. این بحران که از دو، سه سال پیش مجدداً تشیید گردید، امسال وارد مرحله جدیدی از کود و تورم شده است که کاهش درآمد دولت از نفت نیز بر بعد آن افزوده است. جناههای مختلف هیئت حاکمه، هر تاکتیکی که برای بحران سیاسی اتخاذ کرده باشند، و برغم اختلافات جنی شان در این عرصه، در این سیاست نظره واحده دارند که فشار برای بحران و مصائب ناشی از آن را باید بروش کارگران و زحمتکشان بینانند. در حالی که کمتر از یکسال از دوران زمام داری خاتمی میگذرد، کارگران و زحمتکشان ایران بهوضوح دیدند که سیاست خاتمی در این عرصه چیزی نیست جز همان سیاستهای ارتاجاعی و ضد کارگری رفسنگانی. در حالی که کاینده خاتمی تسبیلات متعددی برای سرمایه داران قائل شده است، وضعیت کارگران روز به روز وخیم تر شده است. قیمتها روزمره افزایش می یابند، اما دستمزد واقعی کارگران نه تنها افزایش نمی یابد بلکه بالعکس کاهش پیدا میکند. سرمایه داران بمنظور افزایش سود خود دسته دسته کارگران را اخراج میکنند و به خیل ارتش بیکاران و گرسنگان می افزایند، و دولت از آنها حمایت میکند. برخی کارخانه ها و موسسات دولتی که در تملک دولت اند بسته می شوند و کارگران آنها را بلوان آینده و چشم انداز به حال خود رها میکنند. لذا زحمتکشان در عمل می بینند، که برغم وعده هایی که خاتمی به آنها داد، وضعیت مادی و معیشتی نه تنها بهبود نیافته بلکه بالعکس وخیم تر شده است.

در زمینه سیاسی نیز مردم در همین مدت کوتاه دیده اند که از این امام زاده هم معجزه ای ساخته نیست. نه آزادی های سیاسی مردم به آنها داده شده و نه حقوق دمکراتیک مردم برسیت شناخته شده است. لین اوضاع الزاماً توده وسیع مردم را در مبارزه علیه تمامیت رژیم راسخ تر خواهد ساخت و مبارزه آنها اعتلاء گسترده تری خواهد یافت. در همین روند است که توهم به

رهبران و شخصیت های حکومت شکسته و بنحو روزافروزی لین اتوریته و اقتدار از بین میروند. رئیس جمهور تنها بر بخشی از دستگاه دولتی ریاست و فرمزنوی دارد. بخش دیگر این دستگاه اتوریته وی را نمی پنیرد. رهبر حکومت اسلامی که تاکنون مصنوع از خطاب و مقاله بود، مستقیم از سوی جناح های رقیب مورد حمله و انتقاد قرار گرفته است. فرمزنوی دستگاه اتوریته ریشم، به شدت زیر ضرب قرار گرفته است.

یک چنین از هم کسیختگی دستگاه دولتی، و شکاف و اختلاف عمیق در میان جناح های هیئت حاکمه، مختص شرایطی معین و استثنایی یعنی هنگامی است که بحران سیاسی ابعاد ملی و سراسری بخود میگیرد، طبقه حاکمه توان حکومت کردن را از دست میدهد و موقعیت برای انتقال و دگرگونی وضع موجود فرا میرسد. لذا اکنون عملت از سوی طرفاران و قشر محلودی از خود بورژوازی بخشی از داشجوبیان و قشر محلودی از خود بورژوازی مرغه است. اما در این میان یک جنبش مستقل نیز در این سوالات مطرح میشود که آیا حقیقتاً جامعه ایران در این لحظه با یک موقعیت اقلایی روبروست؟ و آیا این بحران سیاسی الزاماً گسترش و تعمیق می بیلد یا نه؟

در این که توده مردم، دیگر عظیم مردم، دیگر نمی خواهند و نمیتوانند وضع موجود را تحمل کنند، در این هم تردیدی نیست. اما هنگامی میتوان گفت که بحران سیاسی به نقطه موقعیت اقلایی رسیده است که جنبش توده ای اعتلاء گسترده ای یافته باشد و اشکال مبارزه علنی گسترده، اعتلاء یافته و سراسری به خود گرفته باشند، که عجالتاً این عامل بسیار مهم وجودش محسوس نیست و به عبارتی با توجه به مجموعه فاکتورهای یک موقعیت اقلایی، یک تغییر در این جزء وجود دارد. اگر به ۲۰ سال پیش در جریان انقلاب توده مردم ایران علیه رژیم شاه برگردیم، در آنچه

اعتلاء جنبش اعتراضی توده ای علنی و اعتلاء مبارزات مردم توانما با بحران و بروز شکاف عمیق در دستگاه هیئت حاکمه پیش میرفت. حتی میتوان گفت که در آن دوران سطح مبارزات توده مردم سریعتر از بحران حکومتی و شکاف در دستگاه دولتی ارتقاء می یافتد و پیش میرفت و هنگامی دستگاه حکومتی رژیم شاه از همه سو شکاف بردشت که اعتصاب عمومی سیاسی و تظاهرات و راهپیمایی های میلیونی سراسر ایران را فرا گرفته بود یعنی موقعیت اقلایی از اواسط سال ۵۷ از شهریور ماه پلید آمد و طی مدتی کوتاه به لحظه قیام رسید.

درست است که امروز هم بحران همه جانبی حکومت، تضاد ها و شکافهای درونی جناههای هیئت حاکمه و دستگاه دولتی خود بازتابی از ناراضیتی، اعتراض و مبارزه توده هاست. همان توده هایی که مبارزه شان تا اوائل سال ۷۶ تا مرحله قیامهای خود انگیخته، اعتصابات، تظاهرات و راهپیمایی های در بسیاری از مناطق ایران پیش رفته بود و اصلاً این که خاتمی به قدرت رسید، خود بازتاب همین اوضاع و ناتوانی ها و شکستها و بنیت رسید، که برغم سرکوهی های جنبش توده ای بود. معهذا، تاخیر امروزی این جنبش به جای خود باقی است. دو عامل نیز در این تاخیر نقش داشته است. نخست سرکوب آنده که از این امام زاده هم معجزه ای ساخته نیست. نه آزادی های سیاسی مردم به آنها داده شده و نه حقوق دمکراتیک مردم برسیت شناخته شده است. لین اوضاع الزاماً توده وسیع مردم را در مبارزه علیه تمامیت رژیم راسخ تر خواهد ساخت و مبارزه آنها اعتلاء گسترده تری خواهد یافت. اگر بهبود نیافته بلکه از این اموری که توهم به رژیم و

گرامی باد اول ماه مه

با تزدیک شدن اول ماه مه، کارگران تمام کشورهای جهان، خود را برای برگاری مراسم روز همبستگی بین المللی آماده میکنند، تا اتحاد جهانی اردوی کار را دربرابر اردوی سرمایه به نمایش بگذارند.

طبقه کارگر ایران هم که جزوی لایتجرزا از اردوی جهانی کار است و خود رادرتمام اهداف و آرزوهای کارگران سراسر جهان سهمی میداند، در اول ماه مه، همبستگی بین المللی خود را با خواهران و برادران هم زنجیر خود درینچ قاره جهان اعلام میدارد و همانند کارگران تمام جهان درآرزوی روزی است که قدرت بین المللی طبقه کارگر بساط نظام ستمگرانه سرمایه داری را در عرصه جهانی جاروب کند و جامعه ای سوسيالیستی را که از قید هرگونه ستم واستثمار رهاست بنا کند.

رقای کارگر!

روز اول ماه مه فرا میرسد و مادرحالی به استقبال بزرگداشت اول ماه مه میشتابیم که مرتعین حاکم بر ایران با اعمال دیکتاتوری خشن و عربیان، با اختناق و سرکوب باز هم میخواهند مانع از برگاری علی، آزادانه و مستقل مراسم این روز توسط کارگران گردند. اما همانگونه که تجربه سالهای گذشته نشان داده است، برغم این تلاشهای ارتقابی هیئت حاکمه، کارگران از هیچ تلاشی برای برگاری مراسم این روز بزرگ فروگزارتکرده و به اشکال مختلف حتی کاه به شکل علنی روز اول ماه مه را جشن گرفته اند. معهذا این واقعیت به جای خود باقی است که کارگران ایران از برگاری آزادانه، علی و مستقل این مراسم محروم اند. وادمه این وضع از آن روست که در ایران رئیسی بررسکار است که آزادیهای سیاسی را از کارگران و زحمتکشان سلب نموده و حقوق دمکراتیک آنها رالگد مال کرده است. در حالیکه طبقه کارگر دراغلب کشورهای جهان لاقل از آزادیهای سیاسی در چارچوب نظم موجود برخوردار است، کارگران و زحمتکشان از حق داشتن تشکل های مستقل طبقاتی علی، از حق اعتصاب، از حق برگاری راهپیمانی، تظاهرات، میتینگ وغیره محروم اند. البته این محرومیت از آزادی، تنها مختص طبقه کارگر ایران نیست، عموم مردم ایران از قدان آزادیهای سیاسی رنج میبرند و نارضایتی واعتراض به سلب آزادیها، به حد رسیده است که دستجاتی از درون هیئت حاکمه نیز که از طفیان جنبش اعتراضی مردم احساس خطر کرده، میکوشند خود را مخالف این همه سرکوب و اختناق و بی حقوقی، و حتی طرفدار آزادی معرفی کنند. اما حقیقت امر این است که آنها تنها خواهان آزادی بیشتر برای خود و دیگر طرفداران حکومت اسلامی واندکی کم کردن فشارها هستند و نه آزادی و دمکراسی برای مردم ایران. چه کسی تابه امروز شنیده است که یکی از این جناح های رقبی ظاهرا آزادیخواه هیئت حاکمه بگوید، خواهان آزادی برای عموم مردم ایران واژ جمله مخالفین حکومت اسلامی است و نه طرفداران حکومت؟ چه کسی شنیده است که آنها گفته باشد، ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی کارگران، اعتصاب، تجمع، میتینگ، تظاهرات و . . . حق کارگران و زحمتکشان است؟ چه کسی از این آقایان شنیده است که بگویند، زنان باید از حقوق اجتماعی و سیاسی برایر و کامل با مردان برخوردار باشند. همه این واقعیات دل بر این است که این جناح های ظاهرا آزادیخواه که این همه بورژوازی داخلی و بین المللی درمورد آنها جنبال و تبلیغات برای انداده است، اگرهم صحبتی از آزادی و حقوق میکنند، نه برای مردم، بلکه برای جناح خودشان و درنهایت طرفداران حکومت اسلامی است. یعنی حکومتی که بخاطر تلفیق دین و دولت ذات دشمن هرگونه آزادی و دمکراسی است. این حکومتی است که توده مردم در آن نقشی ندارند و مرجعي به نام ولی فقیه با قدرت استبدادی در راس امور فرار گرفته که به هیچ کسی هم حساب پس نمیدهد. روشن است که در چنین حکومتی دیگر بخشی از حقوق مردم و آزادی های آنها در میان نیست و کسی که وعده آزادی را درچار چوب همین حکومت به مردم میدهد، صریح و بی پرده دروغ میگوید، و میخواهد مردم را فریب دهد. مادام که جمهوری اسلامی پا بر جاست، مردم از آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک خود محروم خواهند ماند و البته درین میان طبقه کارگر ایران است که بیش از همه از این قدان آزادی و محرومیت از حقوق دمکراتیک رنج میبرد. چرا که وقتی طبقه کارگر از داشتن تشکل های مستقل طبقاتی محروم باشد، وقتی که حق اعتصاب و اعتراض نداشته باشد، وقتی که نتواند به آگاهی لازم دست یابد، درمعرض استشمار و خشانه تر و بی رحمانه تر قرار خواهد گرفت. سرمایه داران و دولت آنها با قدری به کارگران زور خواهند کفت، حق آنها را خواهند پرداخت و بالاخره طبقه کارگر در تحقیق مطالبات فوری و اهداف کوتاه مدت خود با معضلات جدی روبرو خواهد شد. اما کارگران و زحمتکشان ایران در چارچوب وضع موجود تنها از قدان آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک رنج نمیریند، بلکه با وضعیت وخیم مادی و معیشتی نیز ریرو هستند که مدام و خیم تر میشود.

در حالیکه سرمایه داران و سران دستگاه دولتی، حاصل دسترنج کارگران را به یغما میبرند و روز به روز برجام سرمایه های خود می افزایند و فریه تر میشوند، دستمزد واقعی کارگران پی در پی کاهش میباید. امروز سطح دستمزد کارگران تا به آن حد نازل و ناچیز است که حتی با چنین ساعت اضافه کاری که کاه از ساعت قانونی روزانه کار نیز تجاوز میکند، قادر به تامین حداقل معیشت خود نیستند. کارگران ایران علی العموم، با فقر مطلق روپرهاستند و پیوسته فقیرتر میشوند. تنها، اشاره ای کوتاه به این واقعیت کافی است که در حالیکه قیمت کالاهای با سرعتی سراسر آور افزایش میباید، رقمی که سالانه رسمی به دستمزد کارگران مشمول قانون کار افزوده میشود، به نیمی از این افزایش رقم تورم هم نمیرسد. از اینجاست که می بینیم، کارگران سال به سال فقیر تر میشوند و سطح معیشت آنها داشتا تنزل پیدا میکند. آنچه که امروز وضعیت کارگران را باز هم و خیم تر کرده است، تشیدی پیمان اقتصادی است که نه تنها استشمار کارگران بازتر کرده، بلکه با گذشت هر یک هزار کارگر از کار بیکار میشوند و به صفوی میلیونی ارتش بیکاران می پیوندند، که این بیکاران حتی از تامین یک قرص نان خشک و خالی نیز محروم اند. این وضعیت کارگران ایران در نظام سرمایه داری و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. همه واقعیات نشان میلند که در شرایط موجود، بهبودی در اوضاع متصرف نیست. کارگران و زحمتکشان ایران باید دست رد به سینه کسانی بزنند که برای بهبود اوضاع، توده مردم را به حمایت از این یا آن جناح فرا میخوانند. هیچ معجزه ای در کار نیست تنها خود کارگران و زحمتکشان با مبارزه مستقل خود میتوانند به این اوضاع اسف بار پایان بخشنند. برای بهبود وضع موجود، برای حصول به آزادی و دمکراسی، برای رهایی از شر فقروفلاکتی که میلیونها کارگر و زحمتکش را به خاک سیاه نشانده است، و سرانجام برای حصول به یک جامعه انسانی سوسيالیستی، کارگران ایران راه دیگری جز سرنگونی رژیم و به دست گرفتن قدرت ندارند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

سرنگون باد نظام سرمایه داری

زنده باد سوسيالیسم

سازمان فدائیان (افتیت) - اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

خبری از ایران

تظاهرات و راهپیمایی‌های اول ماه مه

اعتراضات کارگران بیکار

روز ۱۶ اردیبهشت تعدادی از بیکاران شهر درفول به عنوان اعتراض به سیاستهای رژیم و درخواست کاریه اداره کار مراجعت و تقاضاها خود را ماضر کردند. آنها پاسخ قانون کننده ای دریافت نکردند. تشنج بالا گرفت و کارگران که عصبانی و خشمگین شدند بودند شیشه های اداره کار را شکستند. رئیس اداره کار درفول درمورد علت اعتراض کارگران بیکار گفت که علت آن عدم معافی کارگران به شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون درخشتر بوده است. وی اضافه کرد که به علت تعداد زیاد بیکاران این شهرستان، امکان معروفی همه افراد متقاضی میسر نیست و سهمیه دزفول تنها ۹۰ نفر بوده است. اخباری از اعتراضات کارگران درانیشک، شوش و کاشان نیز منتشر شده است. طی هفته‌های اخیر اعتراضات کارگران شاغل و بیکار گشتش یافته ویں اعتراضات به حدی است که حتی ارگان فریب موسوم به خانه کارگر نیز پرده هارا کنار زده و کارگران را بخاطر مبارزاتشان مورد حمله و تهیید قرار داده است. دیگر اجرائی خانه کارگر قزوین چند روز پیش گفت «برخی از کارگران برای رسیدن به حق و حقوق خود، اقلام به تجمع و اعتراض دسته جمعی میکنند که این کار از نظر تشکل های کارگری محکوم است».

هزاران کارگر نساجی با خطر اخراج روپو هستند
با گسترش بحران اقتصادی روکودی که صنعت نساجی با آن روپو شده است، سرمایه داران دراین بخش گروه زیادی از کارگران را اخراج کردند و دهها تن دیگر به زودی اخراج میشوند. این جمیع صنایع نساجی اعلام کرد که ۶۰ هزار شاغل در واحدهای صنعتی رشته نساجی درمعرض بیکار شدن هستند.

جمع اعتراضی کارگران

۱۹ تن از کارگران شرکت شفارود شهرستان تالش، با برپایی یک تجمع اعتراضی نسبت به علم اجرای مقررات استخدامی و این نامه طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتراض زدند. دریی این تجمع اعتراضی که چند ساعت بطور انجامید، فرماندار و مسئول اداره کار شهرستان خود را به محل تجمع کارگران رسانده و همراه مستولین شرکت مربوطه، وعده هائی در میانه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به کارگران دادند.

اعتصاب کارگران شرکت نتوپان

کارگران شرکت نتوپان کارون شوستر، دراعتراض به علم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتساب زدند. دریی این اعتصاب، مسئولین شرکت به کارگران وعده داده اند تا ظرف سه ماه آینده، طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا نموده و احکام شاغلین را صادر کنند.

نحوه ۳۸ درصدی بیکاری در خراسان

علی ظفر زاده، مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی خراسان، رقم متقاضیان کار دراین استان را درسال جدید، ۳۷ هزارنفر ذکر کرد که ۴۱۸۵ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌بینند. وی همچنین عنوان کرد که از مجموع جویندگان کار، ۲۱۸۵ نفر دارای مرک لیسانس، فرق لیسانس و دکترا ۸۹۱۶ نفر فوق دیپلم و مقیمه زیر دیپلم مستندند. نامبره چنین اضافه و اعتراف کرد که رشد متقاضیان کار تا پایان سال ۷۶، به میزان ۳۸ درصد نسبت به سال ۷۵ افزایش داشته است.

اعتراض دانشجویی

دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، دراعتراض به ضرب و شتم یکی از استادان این دانشگاه توسط نماینده ارومیه در مجلس، از شرکت درکالاهای

- * - درمکیک هزاران کارگر وزحمتکش مکیکی به فراخوان سنتیکای جدیدالتاسیس «یو. ان. تی» پاسخ مشبّث داده و درخیبانهای مکیکو همبستگی خود را به نمایش گذاشتند.
- * - درآن، گردهم آنیها و تظاهرات متعالی برگزار شد. تظاهرکنندگان دراین روز ضمن ابراز مخالفت خود با سیاستهای اقتصادی دولت این کشور، اول ماه مه را گرامی داشتند.
- * - درآن تسلیم نموده، هزاران تن، روز اول ماه مه را در مقابل پارلمان این کشور تجمع کردند. «حقوق برای برای روز هزاران کارگر وزحمتکش با تجمع درخیبانها و میادین خواهان کار و نان شلنند. پلیس ضد شورش در هراس از گسترش این اعتراضات با شلیک گاز اشک آر و فشنگ های پلاستیکی و توب آبی به متفرق نمودن تظاهرکنندگان پرداخت.
- * - بیش از چهل هزار تن در مادرید پایتخت اسپانیا، روز اول ماه مه را به روز مبارزه برای ۲۵ ساعت کار درهفته پذرون کسر دستمزد، تبدیل نمودند.
- * - در ترکیه، پلیس و نیروهای انتظامی این کشور یک تعطیلی روز جهانی کارگر یکی از شعارهای تظاهرکنندگان بود. فالین سازمان ما با شرکت دراین همراه فالین مراسم به افساء رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی پرداختند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی درایران، قطع ترور و شکنجه شدند.
- * - درشهرهای آمستردام، تردام هلند نیز روز جهانی کارگر با تظاهرات، راهپیمایی و جشن و سور همراه بود.
- * - در قطبیه، پلیس و نیروهای انتظامی این کشور یک تعطیلی روز جهانی کارگر یکی از شعارهای تظاهرکنندگان بود. فالین سازمان ما با شرکت دراین همراه فالین مراسم به توزیع اطلاعیه اول ماه مه سازمان پرداختند.
- * - درروسیه، بیش از یک میلیون نفر به فراخوان سنتیکاها و سازمانهای چپ، دست به تظاهرات زدند و روز کارگر را گرامی داشتند.
- * - در دانمارک، کارگران در شرایطی به استقبال اول ماه مه رفتند که تمامی ۵۱ هزار کارگر شاغل درخشش خصوصی این کشور از روز ۲۷ آوریل دست به یک اعتصاب عمومی زده اند. لین حرکت کارگران دراعتراض به طرح پیشنهادی مربوط به قراردادهای دسته جمعی برای ۲ سال آینده انجام گرفته است. از همین روز شعار محوری گردهم آنی ها، تظاهراتها و راه پیمانی کارگران آمدنی خواهان اجرای هرچه سریعتر ۳۵ ساعت کار درهفته و مبارزه با بیکاری شدند. «کمیته ایرانی برگواری اول ماه مه» نیز دراین تظاهرات شرکت داشت. قریب به ۲۰۰ تن از ایرانیان مقیم پاریس با شعارهای «سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی»، «حقوق و آزادی برای زنان در ایران»، «زنده باد آزادی، سوسیالیسم و همبستگی بین المللی» و «زندگان سیاسی را در ایران آزاد کنید» و توزیع قریب به ۱۵۰۰ نفر و در پاریس ۴۰۰۰ نفر به دعوت مشترک ث. ت. و ث. اف. د. ت. به خیابانها پنج هزار نسخه تراکت و اعلامیه، فالعاله در صفحه مستقل این روز را گرامی داشتند. همچنین بالترول هایی نیز تهیه شده بود که علاوه بر شعارهای مذکور، مطالبه حق اعتصاب و تشکیل سنتیکاهای آزاد و مستقل کارگری را در ایران منعکس میکردند.
- * - درکره، جنوی به دعوت «کنفرانسیون سنتیکاهای کره (KCTU)» هزاران تن کارگر وزحمتکش که ای، علیه اخراج ها دست به صفو تظاهرکنندگان و پرتتاب گاز اشک آور، دهها تن را در روز جهانی کارگر مجموع نمودند.
- * - صدها هزارتن درکوبا، روز جهانی کارگر را با راهپیمایی درهواانا آغاز کردند و پس از آن در میان اتفاقاب تجمع نمودند. فیل کاسترو به همراه حلو ۹۰۰ میهمان خارجی که نمایندگان ۱۳۹ سازمان سنتیکاهای از ۴۱ کشور جهان بودند، به پیشواز تظاهرکنندگان رفتند و نمایشی بی همتانی از همبستگی بین المللی کارگران را به جهانیان نشان دادند.

چراً امریه معروف و نهی از منکر حرام است؟

بود، مدافعین خط خاتمی بر مستله جلو گیری از «هرچ و مرچ» بخوان سرکوب مخالفین و آزادیهای سیاسی تاکید دارند و تمهدات «مصلحین قوم» را درین زمینه قویا تائید میکنند وینا به ماهیت خود نیتواند هم تائید نکند. مردم ایران خلی خوب میدانند که خود اینها در زمینه سرکوب آزادیها و گسترش خفغان در جامعه نقش بسیار مهم و شراحت بسیاری داشته اند و هزاران نفر را نیز از دم تیغ گذاشته اند! قضیه از آنجا اشکاری است بر میکند که: «درمسیر جلو گیری از هرج و مرچ عملکردها تند میشود و درنتیجه به آزادی منطقی و مشروع هم میخورد، مثل جراحی که در هنگام ترمیم پوست، چاقویش به استخوان و غیر استخوان برسد! درین شرایط است که وقتی ما میخواهیم جلو هرج و مرچ را بگیریم درین امر افراط میکنیم و آزادی مشروع و منطقی هم از بین میرود وهمه مخالفان خفه میشوند!»!

حقیقتاً که از زبان یک آخوند و طرفدار نظام اسلامی، روشن تر از این نمیشود! «تسامح وتساهم» جریان خاتمی و دیدگاه دولت اسلامی وقایون گرا را در زمینه آزادیها بیان نمود. این حضرات که همپای سلیمان بارادان اسلامی خود با خشونت تمام حقوق دمکراتیک مردم را تقض و بیامیل نموده، آزادیهای سیاسی را سرکوب کرده، قلم ها را شکسته وزیان ها را بربده اند، و زندانها را از آذیخواهان و مخالفین رژیم اباشته اند و هزاران کارگر و روشنفکر انقلابی و مخالف خود را کشتن کرده اند و هم اکنین هم لین اقدامات را تائید میکنند، فقط زمانی به یاد آزادی آنهم از نوع «مشروع» اش می افتد و صدای اعتراض شان بلند میشود که تیغه چاقوی مرتعج تراز خودشان را زیر گلو احساس میکنند! آقای جنتی کرمانی - وكل جریان خاتمی - که افراط و تند روی وتداوم شیوه های خشن گذشته را راه حل مسائل و مشکلات جمهوری اسلامی نیدانند و عکس از زبان نظام هم میدانند، لید آل خوش را چنین فرمولبندی میکنند «نه آن بیشتر تبلیغاتی در احوال انقلاب درست است ونه اینکه هر کس حرفی زد به عنوان تضعیف ولايت فقهی یا نظام با آن پرخورد شود» بعد هم با لحن بسیار دوستانه و ضیحیت آمیزی خطاب به مدافعین ذوب درولایت فقهی و بیزار دست یلها انصار حزب الله، آنان را به اتخاذ و قبول راه میانه ای دعوت میکنند. راهی که آزادی برای ایشان وسیل طرفان ر نظام یعنی «آزادی مشروع» تأمین گردد و فراموش نمی کند که بر این موضوع تاکید کند که «آقای خاتمی (هم) ببنای پیش از خود میانه است!»

پس بحث بحث کله از افراط کاریها و برسی رافتمن راه میانه است. بحث این است که در جریان این افراط کاریها، کاه طرفداران نظام هم مخلود میشوند و نیتواند در چارچوب نظام و «شرع» هم حرف های خود را آنطور که میخواهند بزنند و خلاصه بحث برس احترام و به رسیبیت شناخته شدن حق اینها و «آزادی مشروع» است ونه آزادیها حقوق دمکراتیک مردم! جنتی کرمانی تلاش میکند که این مقصود را به انصار حزب الله تفهم کند. او برغم انتقادات مالایش، از این دارو دسته بعنوان «بجه های مخلصی» یاد میکند و اینگزه آنها را از اینکه در خیلانها علیه «جامعه ملتی» شعار میدهند و سخنرانی ها و اجتماعات را برهم میزند، اینظر تبیین میکند که آنها از تکرار هرج و مرچ احوال انقلاب ترسیده اند و «درین اندیشه هستند که اگر ما نباشیم جریان به همان روز کار اول انقلاب خواهد رسید... کروه های ملحد سربر می آورند، منافقین، پیکاریها و فدائیان خلق ولایتیک ها و آدم های غیر منهض و ضد منهضی هم پیادیشان میشود و رویشان زیاد میشود پس کاری کنیم که مجالی برای چنین انترافی نباشد»

او توضیح میلدهد که قضیه اصلاً این نیست. اصلاً

یعنی چه؟ بنظر من این یعنی با این امر به معروف ونهی از منکر های ما یعنی با این امریه معروف وسر به سر گذاشتن وی تحمیلی های ما، مردم نسبت به ما ونسبت به نظام وحق اسلام عاصی میشوند، رودر روی ما می ایستند واز ما حرف نمی شنوند و صاف صاف راه میروند و گوششان به هیچ حرفي از ما بدهکار نیست!!! این اظهارات ولو آنکه با هر لفظ و کلمه و در پوشش هر عمارتی هم که بیان شده باشد، اعتراض آشکاری است بر شکست سیاستهای سرکوبگانه جمهوری اسلامی دریه تمکین واداشتن مردم! این اعترافات گویا از آن است که نیازی به توضیح و تفسیر داشته باشد! هچه زمان پیشتری کلتش است، عکس العمل و مخالفت زنان و جوانان وروشنفکران دربرابر سیاستهای ارتজاعی و زورگویانه چماقانار آشکارتر شده و مردم نسبت به مرتعجین حاکم، نسبت به نظام وحق نسبت به اسلام «عاصی» تر شده اند! اکنون کار بجایی رسیده است که همین مردم از زنان و جوانان گرفته تا سایر افشار، رودرورو ارجاع حاکم می لیستند، در برابر چشم آنها صاف صاف راه میروند، ترسی از امر ونهی آنها بخود راه نمیلند، از آنها حرف شنوند ندارند و خلاصه پشیزی هم برای موظه ها و دستورات اسلامی و شرعی اینها ارزش قائل نمی شوند!

بسیار خوب، وقتی که نتایج همه آن زور کوئی ها و سختگیریها و فشارها، وقتی که نتایج همه آن امر به معروف ونهی از منکر ها این شده است که مردم را از اسلام و نظام حاکم بیزار و متفتر ساخته و به رویا روئی با آن کشانده است، چرا تبایستی این وضعیت را تغییر داد؟ واز زاویه حفظ منافع جمهوری اسلامی، چرا نبایستی به مسئله حجاب زنان و نظری آن با مسامحة برخورد کرد و به طولانی بودن لین توضیحات اما بدلیل گویا بودن مخصوصیت روشنگرانه آن، به نقل آنها می پردازم، او پرداخته و توضیحاتی نیز چاشنی آن میکند و ما برغم میگوییم: «مثلاً در مرور پوشش خانم ها در خیلان که مورد توجه بیچه های امر به معروف وناهی از منکر است، ما دو گونه تسامح وتساهم میتوانیم داشته باشیم، یکیش دینی و مطابق شرع است و دیگری نه، ما درین میگوییم: «اما نوع میتوانیم برخورد کنیم، یکی با تسامح وتساهم دینی یعنی با مهربانی و آسان گیری یعنی با نرمی با او به گردش وسینما برومی و کم کم به راهش پیاویم نه آنکه موهایش را بکشیم و او را کنک بزیم واز هرچه دین است بیزار کنیم»

آن خود جنتی کرمانی در دادمه سخنانش ضمن آنکه تلویحا به برخوردهای خشن و سرکوبگانه افاد «رسیوی» حزب الهی و کنک کاری و به زنان افکنند زنان و جوانان بخاراً مسئله حجاب وامثال آن اعتراف کرده و آرامشلا خلاف تاموضعی را که زمانی آنرا «واجب» و «مستحب» میکند که «اما نوع دیگری از تسامح وتساهم اضافه میکند که این حجاب زنان کاری نداشته باشد و این اختیار خودشان در مرور نحوه لباس پوشششان تصمیم بگیرد! با این همه آقای جنتی کرمانی که تا جلوی اوضاع سیاسی جامعه دستش آمد، خطاب به گروه های فشار و «بجه های امر به معروف وناهی از منکر» و حامیان آنها، ضمن توجه دادن آنها به وضعیت حساس جامعه، از آنان میخواهد چشم بصیرت داشته باشدند وروشناسی و روحیات مردم را درنظر بگیرند و اگر چنین کنند، چه بسا که در خیلی از موارد حتی ناید امر به معروف کنند با درنظر گرفتن نفع جمهوری اسلامی وفع اسلام باید چنین مواردی را ناید، بگیرند! چرا؟ او توضیح میلدهد (بعضی از منکر ها را اصلاح ناید) از آزادی همین میشود که مصلحین قوم و دلسوزان جامعه اندیشه ها بنابراین تاینجا وهمانطور که از قبل هم کاملاً معلوم

درهمین رابطه روزنامه «جامعه» سخنگوی یکی از جریانهای حامی خاتمی مصاحبه ای با محمد جواد جنتی کرمانی داشته است که در آن به نحو بسیار روشی به حقیقت فوق اشاره شده است. روزنامه اطلاعات نیز ضمن درج بخش هایی از این مصاحبه، از دید کاه «موسکافانه» مصاحبه شوند در(بررسی) مسئله «تسامح وتساهم» یاد کرده است.

آخوند محمد جواد جنتی کرمانی در مصاحبه خود در پیاسخ به این سوال که «تسامحات اساسی در لایشته دینی و جامعه ملتی چیست؟» با نقل روابطی از پیغمبر مسلمانان که مهجانی وزیر ارشاد اسلامی هم نهانم معرفی اش به مجلس به آن استناد کرده بود والبته همانطور که میدانیم در برابر حملات پی دری جناح مقابل، از حیلیت جانی خاتمی برخوردگار گردید، ضمن تاکید بر سخنان و دیدگاه وی که درواقع همان دیدگاه خاتمی است، از دو نوع «تسامح وتساهم» صحبت کرد که یکی دینی و مطابق شرع است و آن دیگری نیست.

نامبره برای لینکه منظور خویش را واضح تر بیان کرده و به بحث خود عینیت داده باشد، به ارائه یک مثال پرداخته و توضیحاتی نیز چاشنی آن میکند و ما برغم طولانی بودن لین توضیحات اما بدلیل گویا بودن و خصوصیت روشنگرانه آن، به نقل آنها می پردازم، او میگوید: «مثلاً در مرور پوشش خانم ها در خیلان که مورد توجه بیچه های امر به معروف وناهی از منکر است، ما دو گونه تسامح وتساهم میتوانیم داشته باشیم، یکی با تسامح و مطابق شرع است و دیگری نه، ما درین میگوییم: «اما نوع میتوانیم برخورد کنیم، یکی با تسامح وتساهم دینی یعنی با گردش وسینما برومی و کم کم به راهش پیاویم نه آنکه موهایش را بکشیم و او را کنک بزیم واز هرچه دین است بیزار کنیم»

آن خود جنتی کرمانی در دادمه سخنانش ضمن آنکه تلویحا به برخوردهای خشن و سرکوبگانه افاد «رسیوی» حزب الهی و کنک کاری و به زنان افکنند زنان و جوانان بخاراً مسئله حجاب وامثال آن اعتراف کرده و آرامشلا خلاف تاموضعی را که زمانی آنرا «واجب» و «مستحب» میکند که این حجاب زنان کاری نداشته باشد و این اختیار خودشان در مرور نحوه لباس پوشششان تصمیم بگیرد!

با این همه آقای جنتی کرمانی که تا جلوی اوضاع سیاسی جامعه دستش آمد، خطاب به گروه های فشار و «بجه های امر به معروف وناهی از منکر» و حامیان آنها، ضمن توجه دادن آنها به وضعیت حساس جامعه، از آنان میخواهد چشم بصیرت داشته باشدند وروشناسی و روحیات مردم را درنظر بگیرند و اگر چنین کنند، چه بسا که در خیلی از موارد حتی ناید امر به معروف کنند با درنظر گرفتن نفع جمهوری اسلامی وفع اسلام باید چنین مواردی را ناید، بگیرند! چرا؟ او توضیح میلدهد (بعضی از منکر ها را اصلاح ناید) از آزادی همین میشود که مصلحین قوم و دلسوزان جامعه اندیشه ها بنابراین تاینجا وهمانطور که از قبل هم کاملاً معلوم

جنبش اعتراضی توده مردم ایران گسترش می‌یابد

مبارزه توده های مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیاست های ارتقای آن روز به روز در حال گسترش و اعتصاب است. کارگران که زیر فشار طاقت فرسای مادی و معنوی قرار دارند، اعتراض و مبارزه خود را در موسسات مختلف به شکل اعتراض و تظاهرات ابراز می‌نمایند. میلیونها کارگر در سراسر ایران بیکار و گرسنه اند. جنبش بیکاران نیز در حال شکل گیری است. آخرین اخبار از خوزستان حاکی است که اعتراض و مبارزه بیکاران از بیکاران، دراعتراض به سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی به ساختمان اداره کار و امور اجتماعی دزفول حمله برده و خواهان کار شده اند.

در همین حال اعتراض مردم نجف آباد به سیاستهای سرکوبگرانه حکومت علیه آیت الله مستظری همچنان ادامه دارد. نیروهای سرکوبگر حکومت گروهی از مردم را دستگیر و به زندان انداخته اند. اما این سیاست های سرکوبگرانه دیگر کار ساز نیست. مردم به حرکت در آمده اند. آنان خواهان کار، نان و آزادی هستند و برای تحقق مطالبات خود تا سرنگونی حکومت از پای نخواهند نشست.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)**

۱۳۷۷/۲/۸

اخبار کارگری جهان

محکوم شد است.

حمایت وسیع احزاب و سازمانهای سیاسی و تشکلهای دمکراتیک از تشکیل دادگاه بین المللی برای بروسی جنایات رژیم جمهوری اسلامی

بیش از ۶۵ سازمان و گروه سیاسی و دمکراتیک و رسانه های خبری و نشریات در بیش از ۱۱ کشور جهان، نامه ای را خطاب به رئیس دیوان بین المللی لاهه، دیپ کل سازمان ملل متحد، رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، عفو بین الملل و رئیس پارلمان اروپا تهییه و امضا نموده اند.

در این نامه، ضمن اشاره به کشتار و سرکوب وسیع در ایران، کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۷۷، اعدام و ترورها، امضا کنندگان خواهان تشکیل یک دادگاه بین المللی برای بروسی جنایات رژیم اسلامی علیه شریت شده و آمادگی خود را برای ارائه اسناد این جنایات و شهادت در دادگاه اعلام کردند. احزاب و سازمانهای سیاسی کلین نامه را امضا کرده اند: اتحاد فدائیان کمیسیون، تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)، توفان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کمیسیون ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و سازمان کارگران اتفاقی ایران (راه کارگر).

* **حمله طالبان به تجمع زنان در لاہور**

روز ۲۹ آوریل در سالگرد تصرف کلیل توسط طالبان که به «روز سیاہ» موسوم گشته، جمعی از نیروهای وابسته به طالبان به تجمع زنان در لاہور پاکستان حمله ور شدند. این تجمع که به دعوت جمعیت اتفاقی زنان افغانستان بپای شده بود، در اعتراض به فشارها و تضییقاتی است که طی سالهای اخیر در حق زنان افغانستان صورت میگیرد. بعد از روی کارآمدن طالبان اشتغال، تحصیل و کلیه حقوق ابتدائی از زنان آنجا سلب شده است. نیروهای طالبان همچون سایر نیروهای سرکوبگر و ارتقای، در خارج از مرزها نیز به سرکوب و تهدید و فشار اتفاق می نمایند.

کارگران کردستان PKK و یکی از اعضاء رهبری حزب احیا کمیسیون و نمایندگان شورای شهر رم اشاره نمود.

* بعد از ۱۳ روز اعتراض غذای زندانیان راهروی مرگ در زندان Greene در ایالت پنسیلوانیا، سازمان مقامات زندان با بخش زیادی از خواسته های زندانیان موافقت نمودند. در میان این زندانیان، مبارز سیاهپوش با اتهام ساختگی قتل یک مامور پلیس، به مرگ

و همکاری به خود گرفت. مدارس تعطیل شد. نیروهای سرکوب مداخله کردند و مدعی این دعوت شده بودند، هنگام ورود آنها به محل، میان نمایندگان ارومیه و نگهبان و رئیس داشتکار مهندسی برق این داشتگار که ازوی خواسته بودند کارت ورودی اش را نشان بدهند، درگیری لفظی بوجود میاید و سپس این قضیه به برخورد فیزیکی و کتک کاری کشیده میشود. در همین رابطه سورای صنعتی داشتگریان با انتشار اطلاعیه ای مطرح کردند تا عندرخواهی نماینده مزبور نسبت به این حرکت خود، از شرکت درکلاساهای درس خودداری خواهند کرده در ضمن اساتید، کارمندان و دانشجویان داشتگار، با انتشار یادیه های جاگانه ای ضمن محکوم کردن این حرکت نماینده مجلس، در مراسم تربیون آزادی که روز اول اردیبهشت در صحن داشتگار و با عنوان «اعتراض به هنگام حرمت داشتگار» برگزار گردید، شرکت نمودند.

افزایش بھای کالاها
از اوائل سال جلید، مجلداً قیمت کالاها در سراسر ایران جهش وار افزایش یافت. این موج جلید گرانی و تورم هنگامی شروع شد که دولت قیمت کالاها و خدمات انصاری خود را افزایش داد اکنون بهای نان بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافته است. بهای حمل و نقل شهری و بین شهری، بیلیت هواییما، قیمت دارو و دیگر میحتاج مردم به نسبتی مختلف از ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است.

اعتراض در نجف آباد
دهها هزار تن از مردم نجف آباد در اوائل اردیبهشت ماه، در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه حکومت وزندانی کردن منتظري درخانه خود وی، اعتراض کردند. این اعتراض، که سومین اعتراض و حرکت اعتراضی مردم طی چند ماه اخیر محسوب میشود، جنبه عمومی مانده است.

بنگی از آزادیهای سیاسی در میان نیست. آزادی مطبوعات و بیان و احزاب وغیره برای مخالفان رژیم بطريق اولی برای نیروهای اتفاقی به هیچوجه مطرح نمی باشد و در سرکوب و خفه کردن این ها همانطور که تا کنون هم عملی شده است، هر آینه بخواهند بطری میثراز سریلنگ کنند، لحظه ای هم نباید تردید کرد! بحث اقای خاتمی و «جامعه مدنی» هم پیلا کردن راه میانه بدوراز افراط و تغیرها ویح («آزادی مشروع») است. واز همین رو است که آخوند جتنی کرمانی در آخر مصاحبه خود از همه (تندروان) درهود جناح دعوت به آرامش و گفتگو میکند و میگوید اگر میخواهید مسائل اول انقلاب تکرار نشود بایستی با (رعایت موازین اسلامی) وبا تحمل وتسامح وتساهل اسلامی کنارهم بنشینید! باهم گفتگو وهمکاری کنید و خطر را از سر نظام واسلام دور کنید!

مجموعه سخن آخوند جتنی کرمانی که آن را البته با پیشنهاد نموده ای از میان نموده ها بحساب آورد، نه فقط بار دیگر ضدیت ذاتی اسلام و جناح های حکومت را با آزادیهای سیاسی و بیویشه ضدیت آنها را با زنان به روشنی بیان میکند، بلکه بیش از آن، بیم و حشتشان را از تکرار روزهای اول انقلاب و استقرار آزادیهای سیاسی نیز به نمایش میکارد. بدون شک آن کونه مصاحبه شرایطی که این ها را به انجام این کونه مصاحبه ها وامیدار، و امیداره تا مدام برای آزادیهای اول انقلاب، رجعت کنند، مطلقاً افق روش و آینده خوش را برایشان رقم نمیزند. مردم نسبت به اینها ونظم شان وحتی نسبت به اسلام (عاصی) شده اند! مردم رودروری این ها ایستاده اند! و هیچ تسامح وتساهلی هم در کار نیست. جمهوری اسلامی را راه نجاتی نیست!

نظری به واقعیت‌های گذشته سازمان (مصاحبه با رفیق توکل)

لحوظ کمیت نیز این یک اقلیت بسیار محلودی بود. بقیه نیروهای که درپلنوم شرکت کرده بودند، جانب مرکزیت و مواضع آن را گرفتند.

۶- اختلافات مرکزی چه بود؟ پلنوم چه تضمیماتی برای حل اختلافات و بیرون رفت سازمان از بحران اتخاذ کرد؟ تضمیمات مبارزه ایدئولوژیک چه بود؟ ایا مباحث معنی برای بحث مشخص گردید؟ آیاروی دموکراسی‌بتعی نجوه بروخورد به گذشته سازمان و مبارزه مسلحانه آن و نیز تحلیل از حاکمیت بحث وبا تضمیماتی گرفته شد؟

این که اختلافات اصلی چه بود، از نوشته هائی که دو گرایش برای بحث و تضمیم گیری آماده گرده بودند مشخص می‌شد. درستور کاری که کمیته مرکزی برای پلنوم تعیین کرده بود، کتفه می‌شد، که پلنوم باستی مضامون عده فعالیت سازمان را در کوتاه مدت مشخص سازد. ربطه این وظیفه با سایر وظائف را روشن سازد و یک خط مشی عمومی برای جزء به جزء مناطق ایران با تاکید خاص بر کردستان تعیین نماید.

تحریریه نشریه کار به فوریت در ارتباط با استور کار پلنوم نوشته ای را تدوین نمود که با بررسی بحران اقتصادی و سیاسی، نشان دادن ماهیت ارجاعی حاکمیت، ارزیابی وضعیت جنبش کارکری و توده ای و مبارزات ملیتی‌های تحت ستم و وظایف بلاذرگ سازمان را دروضعیت جاری تعیین می‌کرد. از جانب کمیته مرکزی هم نوشته ای تبیه شده بود که به بحران درسازمان میپرداخت و ریشه این بحران را درتضاد سیاست ایدئولوژیک گذشته با لذیشه گویان نوین معرفی می‌کرد. این نوشته ها به پلنوم ارائه شد و قبل از آن دراختیار تشكیلات پرس مسائل حیاتی سازمان و جنبش تصمیم گیری شود و مسئله حاکمیت هم درمحور بحث قرار گیرد، اما کمیته مرکزی همانگونه که قبلا اشاره کردیم هدف دیگری داشت لذا بحث را روی بحران سازمان و خط مشی و مواضع گذشته متصرک نمودند و اصلا نوشته ما مورد بحث قرار نگرفت. حال آنکه از نظر ما نبود. مامیخواستیم درپلنوم پرس مسائل فوری، مشخص و مبرم جنبش بود. بهر حال کمیته مرکزی توانست آنگونه که خود میخواست، بحث ها را پیش ببرد. آنها بحث را روی گذشته سازمان متصرک نمودند ونه روی حاکمیت و وظایف سازمان درقبال جنبش طبقه کارکر. ادعای کردند که بحران سازمان ناشی از بینش گذشته و تضاد آن با بینش نوین است. از نظر آنها سازمان تا قبل از قیام یک سازمان خود بورژوازی ارزیابی می‌شدند، نه کمیستی و پرتمام مبارزه آن که از نظر آنها درمشی مسلحانه خلاصه شده بود، مهر بطلان زده می‌شد. در مقابل، نیروهایی که دراقلیت قرار گرفته برغم این که نظر واحد نداشتند، گذشته سازمان را کمیستی ارزیابی میکردند با انحرافاتی درایدئولوژی و سیاست و تاکتیکها. لذا مبارزات گذشته سازمان را تا جائی که

از این انحرافات میرا بود درست همین مبارزه سازمان را درآستانه قیام به یک سازمان توده ای بزرگ تبدیل کرد، آنرا تائید میکردند. بحث ما درپلنوم درمورد بحران سازمان، ریشه های این بحران راه حل آن، درچارچوب همان نوشته ای بود که فکر میکنم درشهیور ماه تحریریه خطاب به رفاقت تشكیلات نوشته بود. ما ریشه بحران را دردروان پس از قیام درقدان یک ایشانوژی و سیاست منسجم پرولتاریائی، درقدان برنامه، استراتژی و تاکتیکهای مشخص میدانستیم و راه حل بحران رادرسانم‌اندیشی مبارزه ایدئولوژیک علیه برای پاسخگوئی به نیازهای مبرم جنبش و تدوین برنامه، استراتژی و تاکتیک میانسنتیم و خواستار آن بودیم که درجیان همین مبارزه زنده و غفال که ربطه تنگاتگی با مبارزه طبقاتی دارد، با انحرافات گذشته نیز برخورد شود و سپس کنگره برای تصمیم گیری فرا خوانده شود. جناح لپورتونیست به رهبری مرکزیت هم راه حل اش این بود که باید بتدنا با سیستم ایدئولوژیک گذشته پرمحور تحکیم اصول و دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک حداقل مارکسیست - لینینیستی، برخورد لازم صورت گیرد. دریابان این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان جهت تصویب درکنگره تهیه و تقطیم شود. درمرحله بعد مبارزه ایدئولوژیک برای تدوین برنامه، استراتژی و تاکتیک آغاز وادامه یابد و دریابان این روند، کنگره فرا خوانده شود. از نظر ما مسخره وغیر عملی بود که درآن اوضاع سیاسی، تشكیلات را درگیر بحث های تحریلی کرد و نیروهای تشكیلات را پی فرا گرفتن «أصول» فرستاد. معهداً متسافنه اکثریت پلنوم به همین نظر رای داد و آنرا تصویب نمود. پلنوم به هیچ مسئله دیگری نپرداخت.

اما آیا کمیته مرکزی به همین مصوبه پای بند بود و آنرا عملی کرد؟ پاسخ منفي است. ۵ ماه از پلنوم گذشت و کچکترین اتفاقی دراین چهت صورت نگرفت. دراین هنگام مرکزیت لازم دید که یکسره همین مصوبه را نیز کنار بگذارد و آنرا ب اعتبار اعلام نماید. لذا طی گزارشی به تشكیلات اعلام نمودند که مرکزیت دراجلاس اخیر خود مصوبه پلنوم را درمورد راه حل بحران مورد بررسی مجدد قرار داد و «موفق شد اشتباهات این مصوبه وریشه ها و انگیزه اشتباهات را تشريح و تحلیل

۵- درروابطه با تشکیل پلنوم ۵۸، نحوه انتخاب شرکت کنندگان و ترکیب نیروهای آن چگونه بود؟ و گرایش افیت واکثریت هریک چه نقش و وزنی در آن داشتند؟

نخستین ماههای پس از سرنگونی رژیم شاه که با کشمکش جدی انقلاب ضد انقلاب، تلاش کارگران و زحمتکشان، زنان و ملیتی‌های تحت ستم، برای به کرسی نشاندن مطالبات و حفظ دست آوردهایشان درانقلاب و ممتقبلاً تعرض ضد انقلاب حاکم برای عقب نشاندن توده ها و باز پس گرفتن دست آوردهای انقلابی آنها توان بود، شرایط بسیار متتحول و حساسی را پیدی آورده بود. سازمان ما بعنوان بزرگترین تشکیل چپ ایران که عملاً دراین تحولات وکشمکش ها درگیر بود، الزاماً با مسائل ووظایفی روپوشده بود که نحوه پرخورد با آنها اختلاف نظرها وتلاطماتی را دردون خود سازمان پیدی آورد. البته لین اختلاف نظرها مشکل آفرین نبود، اگر ضوابط و مناسبات اصولی برتشکیلات حاکم می بود. اما متسافنه درآن مقطع نه این ضوابط و مناسبات اصولی وجود داشت ونه سازمان از یک خط مشی بالنسبه منسجم برای پیشبرد مبارزه پرخوردار بود. نتیجه این وضع، تشیید اختلافات وفو رفت سازمان دریک بحران عمیق بود. بعلت همین بحران و فقدان ضایعه واز هم گیختگی تشكیلات، درعمل دو مرکز رهبری درتشکیلات شکل گرفته بود. کمیته مرکزی و تحریریه وارگان مرکزی سازمان این دو ارگان سازمانی درسیاری موارد عملی دو خط مشی متمایز را پیش میبرند. قبل از گفته ام که کمیته مرکزی برای حل این تضاد و دوگانگی سیاست تغییر ترکیب هیئت تحریریه و شکستن این کانون مخالفت با مشی مرکزیت را از طریق ابزارهای بوروکراتیک درپیش گرفت. با این هدف تعدادی از اعضاء مرکزیت به جمع تحریریه افزوده شدند. اماچون توانستند درمقابل مواضع یکپارچه تحریریه مانع ایجاد کننواهیانا موضع جیانی را درنشیوه پیش ببرند، عقب نشینی کرده و کنار گشیدند. هیچ توضیحی هم داده نشد که چرا آمندند و چرا رفتند. ازینجاست که کمیته مرکزی راه دیگری را برای پیشبرد سیاستهای خود و متنفره کردن تائیدیه به مرکزیت برای پیشبرد خط مشی اپورتونیستی نداشت. تنها یک ماه پس از پلنوم، کار ۳۵ منتشر شد و کمیته مرکزی پرده هارا کنارزد.

از آنچایکه درواقع قرار نبود پلنوم گامی درراه حل مسائل و معضلات سازمان و جنبش بردارد، هیچ تارک نظری هم برای برگاری این پلنوم دیده نشد. پلنوم با چنان عجله ای فرا خوانده شد که برخی از شرکت کنندگان درهمان جلسات پلنوم مطرح کردند که فرست فکر کردن روی دستور جلسه را هم نداشته اند. هیچ ضایعه اصولی هم برای حضور نیروهای تشكیلات وجود نداشت. تقریباً یک چهارم اعضاء پلنوم را، اعضاء مرکزیت تشكیل میدانند و یقیه نیز نه بطر واقعی مستحبین تشكیلات و سخنگویان مواضع و نظرات آنها، بدکه عدالت از مستولین شاخه ها ویخش ها تشکیل میشندند که مورد تائید مرکزیت بودند و اصلاً اتصابی مرکزیت بودند. تصمیم گرفتند که از تحریریه، یعنی کانون اصلی مخالفت با مشی کمیته مرکزی، هم یک نفر درپلنوم شرکت کند. لین شیوه برخورد مورد اعتراض تحریریه قرار گرفت ویس از یکرشته مجادلات، آنچه که پیشتر قدرت این بود که دو تن از اعضاء تحریریه بدون حق رای دیلنوم شرکت کنند. ما اینتا مخالف شرکت بدون حق رای بودیم و میخواستیم به عنوان اعتراض اصلاً دراین اجلاس شرکت نکیم. اما سراججام تحریریه به این تصمیم غیر منطقی مرکزیت تن داد. درمورد نحوه برگاری کردند که درپلنوم توانیم تاثیروردو و لازم را برجع بگذاریم. ظاهرا هم ادعای آنها رعایت مسائل وسیع سازمان، این اجلاس را در گهار نقطه جدا از هم برگار کردند که ما این ادعای رعایت میکنیم. اما درآن ایام هنوز وضعیت به گونه ای بود که با توجه به امکانات برگاری نخستین کنگره خود درتهران، نه درسال ۵۸ بلکه درواخر سال ۶۰ بخوبی نشان داد. امکانات ما دراین مقطع اصلاً قابل قیاس با سال ۵۸ نبود. رژیم تعرض افسار گیخته ای را برای سروکوب ما سازمان داده بود، وبا این وجود منافع سازمان و جنبش دراین بود که کنگره تشکیل شود و تشکیل شد. لذا واضح است که ادعای رعایت مسائل امنیتی از جانب مرکزیت، یک ادعای پیچ بود. درپلنوم، نمایندگان تحریریه، بخش روابط عمومی و تمارکات با مواضع و نظرات کمیته مرکزی مخالفت کردند و دراقلیت قرار گرفتند. «اقلیت» رسماً درپلنوم با این ترکیب شکل گرفت. به

شما به اخراج تهدید شده اید

ممکن است اولاً از رفاقتی که با این مسئله مخالفت کردند اعم از آنکه در کمیته مرکزی بودند یا تحریریه کارنام پیرید؟ ثالثاً توضیح دهد که این مخالفت از چه زایده بود؟ بعد هم بگویند که منظور از جلسه مشترک که شما در آن تهدید به اخراج شدید کدام جلسه و با حضور چه کسانی بود و این تهدید و فشار بطور مشخص چگونه و چه نحوی اتفاق شد؟ وبالاخره شما گفته اید که آن نوشته فخر نگهدار بعد از برخی تغییرات به شیوه ای غیر دمکراتیک واز طریق یک نظر خواهی انتشار یافت. در این رابطه بگویند که اولاً آیا این تغییرات کیفی بود یا نه؟ بعد هم توضیح دهد که این مسئله از کدام جنبه غیر دمکراتیک بوده است و می‌پایستی به چه شکل انجام میشود؟

اختلاف برس انتشار بیرونی پاسخ به مصاحبه رفیق اشرف هفقاتی، یکی از اختلافاتی بود که در تیر یا مرداد سال ۵۸ میان مرکزیت و تحریریه پیلید آمد. این اختلاف راهم اکثریت مرکزیت به آن دامن زد. تا پیش از تهیه این جزو، مساله ای سازمان در گیر آن بود اختلافاتی که بشکل جدی وجود داشت حول مسائل میرم جنبش بود. در مرکزیت هم توافق شده بود که بحث ها اساساً روی مسائل میرم جنبش باشد. در این اثناء، مرکزیت تصمیم گرفت که دریک مقاله کوتاه پاسخی به مصاحبه رفیق اشرف داده شود و در نشریه کار منتشر گردد. فخر نگهدار که وظیفه نوشت این مقاله را برعهده داشت، جزو مفصلی تهیه کرد که خارج از مصوبه مرکزیت بود و علاوه بر این، در این جزو به اظهار نظر در مردم مسائلی در رابطه با خط مشی و موضع سازمان میپرداخت که هنوز در درون تشکیلات بحث پیرامون آنها صورت نگرفته بود. رفیق حیران در جلسه مرکزیت با انتشار بیرونی این جزو مخالفت کرد و پیشنهاد کرد بود که تحریریه کارنیزیان نوشته را بخواند و نظرش را بدهد. تحریریه نشیریه کار پس از مطالعه این جزو به شدت با انتشار آن مخالفت نمود. این مخالفت هم قبل از هرچیز از این زایده بود که بدون نظر تشکیلات و بحث برس برخی مسائل که در جزو مطرح شده است، موضعی بنام سازمان منتشر میشد. چند روز بعد تعدادی از اعضاء کمیته مرکزی از جمله مجید، فخر، امیر وعلی توسلی با توب پر آمند در محلی که اغلب اعضاء تحریریه در آنجا زندگی میکردند و رفیق هایی هم آن روز آنچه بود. گفتند که آمده ایم جلسه ای تشکیل بدیم و یعنیم چرا رفقا با انتشار این جزو مخالف اند. من دلیل مخالفت تحریریه را برای اینها توضیح دادم . مجید به حربه تهدید و فشار متولی شد و من را تهدید به اخراج از تشکیلات کرد . جلسه مشتبه شد و یعنید که از این طریق و با زور نیتوانند مواضع خود را بیش ببرند. راه دیگری را در پیش گرفتند که گویا هم تاحدودی نظر ما به حساب آورده شود وهم اینکه به نام تشکیلات جزو را منتشر کنند. لذا بر مبنای نقایقی که رفیق حیران جزو نوشته بود، اندک تغییراتی در آن دادند، وطی چند روز هم بقول خودشان از تشکیلات نظر خواهی کردند و آنرا منتشر ساختند. تازه پس از انتشار علنی جزو بود که نقد رفیق حیران را در اختیار تشکیلات قرار دادند. هم این شیوه بخورد غیر دمکراتیک بود وهم نظر خواهی صوری برای انتشار علنی. از نظر ما مسائل مربوط به خط مشی را نمی پایستی با این شیوه های صوری و پرورکاریک حل کرد. ما معتقد بودیم که مسائل اینجا باید به بحث و سیعحتی علنی گذاشته شوند وسپس یک ارگان ذی صلاح در مردم را تضمیم بگیرد.

۱۰- در مقطع بالا گرفتن اختلافات تحریریه کار چند نفر بودند؟ کدام رفقا از تحریریه استغفا دادند و چه رفاقتی مانند و استدلال درهود و حال چه بود؟ آیا شما وسایر رفاقتی که از تحریریه کار استغفا دادید به اهداف خود رسیدید؟ با این استغفا آیا کارهای اجرائی و رهبری سیاسی سازمان عمل به دست جناح راست سپرده نشد؟

من فکر میکنم تعداد اعضاء اصلی تحریریه قبل از پلنوم حدود ۱۰ نفر بود. اما تعداد اعضاء جزو های وابسته به تحریریه دهها نفر بود. من رفیق حیران پس از پلنوم از عضویت تحریریه استغفا دادیم و یقیه رفقا از جمله رفیق منصور، قاسم سید باقری، رسول در تحریریه ماندند. من در آن مقطع به این نتیجه رسیم که دریک پلنوم، اپورتینیسم راست، شیلدا قدرت گرفته و باید به یک مقاله همه جانه ایشان را در راست جزو از پلنوم چه نتیجه ایجاد کردند. لذا بر این مبنای میتوانیم میباشد که این مجموع از اعضاء اصلی تحریریه از این امر اختصاص دهند. ما فرست فوق العاده محدودی داشتم و در این فرست کوتاه می بایستی نظر اتمان را تلویں کنیم. البته این مسئله هم مطرح بود که دریک پلنوم و سازمانی هیچیزی جاید، من ورفیق حیران را مستقیم ویا غیر مستقیم کنار بگذارند. چنانچه در مردم برخی از رفاقتی گرایش اقلیت لین کار را کردند. اما مسئله دیگری هم که در تضمیم گیری من موثر بود، دیگر نمی خواستم در ارگانهایی که اکثریت آنها را عناصر فرست طلب تشکیل میدادند، حضور داشته باشند، لذا از مشاورت مرکزیت نیز استغفا دادم. رفیق هایی هم همین کار را کردند. مگر ما قبل از پلنوم چه نقشی میتوانیم در مرکزیت اینها کیم که حالاً بر این استغفاها ممکن بود همه چیز دست راست سپرده شود. در مقطع پس از پلنوم دیگر همه چیز دست جناح راست بود. ویکی، دو نفر نیتوانست هیچ چیز را تغییر دهد. البته اکثر شکل ای با ضوابط اصولی وجود میداشت، در آن صورت مطلقاً بخشی از استغفا

نماید.» سپس نتیج حاصل از این برسی مجلد را به این شرح گزارش نمود: «بند ج، یعنی مصوبه اکثریت پلنوم که میباشد ناظر بر فعالیت سازمان باشد دارای تنافسات و شکل ای است که اجرا و تطبیق آنرا با شرایط متحول کننی ناممکن ساخته است.» بعد میگویند: «شاوهد عینی نشان میلدهد، هنگامی که پلنوم تشکیل شد، بینش گذشته به عنوان یک سیستم مسلط و باز دارند ویک جریان عمدۀ ایشانلوژیک درون سازمان در هم شکسته شده بود و آن مبنای حداقل مورد نظر پلنوم بست آمده بود.» بعد چه؟ بعد هم اینکه پلنوم یک معجزه دیگر هم بود که تاکنون کسی از آن خبر نداشت و با رسیدت ویک پلنوم بست آمده بود.«(عملما) «بهران را دروجه عینی آن حل کرد.» با این مصوبه مرکزیت، حالاً دیگر هر کسی که تمایلی داشت میتوانست بهفهمد که پلنوم چرا و با چه هدفی تشکیل شد.

۷- بعد از قیام و قتل از انساب افکت - اکثریت و درفود یک رهبری توان، سازمان فقد یک ایشانلوژی منسجم وروشن بود. افراد و جنگ بندیهای درونی نیز همه خود را بطورکلی سوسیالیست ومارکیست - نیبیست میدانستند معهداً این مسئله برای سازمان هویت ایشانلوژیک نمیشد سوال این است که اینکه مرکزیت در آن مقطع کاکید زنادی بر «اصول» داشت واز «بازگشت به اصول» صحبت میکرد، فکر میکند که در میان این نیروها کسانی بودند که واقعاً میخواستند به سازمان به لحاظ ایشانلوژیک هویت و استحکام بینشند! یا اینکه این موضوع پیشتر بهانه و شکرده سیاسی برای پیشبرد مشی راست روانه بود؟

پاسخ این سوال را تجربه ویراییک مشخص اکثریت ارائه داد است. راهی که آنها عملاً در پیش گرفتند و ادامه دادند، نه قرباتی با اصول مارکسیسم داشت و نه تحکیم مبانی ایشانلوژیک سازمان. اصول مورد نظر آنها، همان اصول حزب توده و بیرونیونیسم بین المللی بود. کسانی که شعار «بازگشت به اصول» را میدانند امثال فخر نگهار و امیر (ممیزی) کاملاً میدانستند که چه میخواهند و چه میگویند بقیه هم کما بیش همین وضع را داشتند. همین اصول بود که آنها را به اتحاد با ارتجاع طبقاتی و مذهبی، پذیرش مواضع حزب توده و طویل اکثریت در آن مقطع حتی یک آدم درست بدانجا رفته اند که دیگر در مردم یک سوسیالیست دمکرات هم نیستند. بینند، سالها گذشت واز درون این تشکیلات عرض و طویل اکثریت در آن مقطع حتی یک آدم درست و حسایی هم بیرون نیامد که لاقی به سوسیالیسم معتقد باشد. با بر این شعار بازگشت به اصول، یک بهانه و شکرده سیاسی برای پیشبرد خط حزب توده در درون سازمان فدائی بود.

۸- ضوابط حاکم بر شیوه گزینش اعضاء کمیته مرکزی بعد از قیام چه بود؟ ترکیب آن به لحاظ دو گرایش افکت قبل و بعد از پلنوم به چه شکلی بود؟

هیچ ضابطه مشخصی وجود نداشت . ضابطه ها فردی بود و هر کس به سلیقه خود و شناختی که در مناسبات دوستی و آشناشی با افراد داشت را میداند. نه ضوابط تشکیلاتی و درنظر گرفتن مشخص ایشانلوژیک - سیاسی وجود داشت، نه ضوابط تشکیلاتی و درنظر گرفتن عملکرد یک عضو وغیره. چون انتخاب مرکزیت از طریق مراجعه به اعضاء و نظر خواهی از آنها صورت گرفت، اصلاً معلوم نبود که به چه کسی باید رای داد و چرا؟ حتی معلوم نبود چه کسانی عضو سازمان اند. من نیخواهم زیاد وارد جزئیات این مسئله بشویم، فقط برای روش کدن مسئله، اشاره میکنم که رفیقی در تشکیلات ما فعالیت میکرد به نام منصور اسکندری که این رفیق از نظر توان ایشانلوژیک

سیاسی و تشکیلاتی برتر از اغلب اعضاء مرکزیت بود. روحیه مبارزاتی و تحرک عملی او تا بدان حد بود که لحظه ای آرام نیگرفت و در زندان رشم شاه به او موتور زنمان میگشتند. مقاومت او را درزیر شکنجه سواک همه میدانستند. بعداً هم در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی حمله آوردند. چنین رفیقی عضو مرکزیت قبل از انتساب نبود. چرا؟ چون ضابطه ای برتشکیلات حاکم نبود. خیلی ها که عضو تشکیلات بودند و وجود یک چینن رفیقی در میان خود خبر نداشتند. واز آنچنانی که در زندان وارد دسته بندیهای کسانی نشد که بعداً مرکزیت را به باند و محفل خود تبییل کردند، لذا جانی برای او در مرکزیت وجود نداشت. اما کسانی که مرکزیت راه یافته بودند که در جلسات جز چرت زدن کاری نداشتند.

سازمان ما پس از قیام دهها و صدها اسکندری داشت که جای آنها در مرکزیت یک سازمان حقیقتاً اتفاقی بود. اما متابفانه جای آنها را افزاد فرست طلب، رفمیست، میباشد باز و نایابی کرفتند. با این توضیحات روش نیست از این ترکیب کمیته مرکزی چگونه باند باز و نایابی کردند. اگر اشتباه نکنم، قبل از پلنوم تعداد اعضاء اصلی مرکزیت ۱۳ نفر بود و اعضاء مشاور کمیته مرکزی که معمولاً در جلسات وسیع مرکزیت شرکت داشتند، اما فاق حق رای بودند، ۵ نفر. از میان اعضاء مشاور کمیته مرکزی رفیق حیران چهار گایش پلنوم نیز دیگر «اقلیت» در مرکزیت حضور نداشت.

۹- در رابطه با مصاحبه رفیق اشرف دهقانی و انتشار بیرونی جزو ای که در همین رابطه توسط فخر نگهدار نوشته شده بود، شما در مصاحبه خود گفته اید که این موضوع با مخالفت افکت کمیته مرکزی و تحریریه کار روبرو شده ایست. شما همچنین اشاره کردید که رفیق حیران تقدی بیرونی نوشته فخر نگهدار نوشته ایست که در انتخاب تشکیلات قرار نداشت. و بعد هم مرکزیت به تهدید و فشار متولی شده و در یک جلسه مشترک

حاکمیت رسمی و علناً در سطح جنبش اعلام کرده بود که هماناً موضع حزب توده و حملیت رسمی و علناً از جمهوری اسلامی بود. ما خواهان پخش نظراتمان درمورد حاکمیت در درون تشکیلات بودیم. پاسخ مرکبیت هم این بود که اقلیت واکریت در ارتباط با نحوه برخورد به گذشته سازمان شکل گرفته و لبنتا مجاز به ارائه نظرات خود درین رابطه است. آنها این نظر خود را کتاب نیز ضمیمه آخرین گزارش خود در اولین فوریه ۵۸ تحت عنوان نظر مرکبیت پیرامون اقلیت درون سازمان اعلام نمودند. اگر به آن نوشتہ رجوع کنیم در آن جا گفته شده است که «تنها با پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک بین اقلیت واکریت بمحضه مستله فوق است که میتوان زمینه وحدت ایدئولوژیک درون سازمان را فراهم ساخت ونه از طریق گسترش مباحثات پیرامون مسائل دیگر...» و دریابان نیز تهدید کردند «در صورتیکه رفاقت اقلیت نظرات خود را اینجا میتوان بینش گذشته و نظرات اعلان شده اکثربت به سازمان ارائه نهند، مرکبیت سازمان برای ارائه نظرات اکثربت به مثابه نظرات سازمان در سطح جامعه تدارک لازم را انجام خواهد داد. بدینه است، ارکانی که چنین تصمیمی را اتخاذ میکند درباره رابطه سازمان با رفاقت اقلیت نیز تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.»

این پاسخ مرکبیت بود به پیشنهاد ما درمورد ارائه بحث حاکمیت درون تشکیلات. اکنون که دیگر موضع اقلیت واکریت پرس مسائل مختلف بیویژه دربرخورد به حاکمیت یکلی متفاوت بود، و در همه عرصه ها اختلاف میان دو خط مشی خود را آشکارا نشان میداد و مرکبیت حاضر به پیشبرد مباحث ایدئولوژیک - سیاسی پرس مسائل حیاتی سازمان و جنبش نبود واز «تصمیم مقتضی» درمورد اقلیت سخن میگفت، فکر انشاعاب دردون اقلیت نیز قوت گرفت. اگر تا پیش از این ما تلاش میکردیم که کاری صورت نگیرد تا تشکیلاتی دردون تشکیلات سازمان ایجاد شود، از این پس محدودیتها را کنار گذاشتم و حتی یک جلسه وسیع تشکیل شد. سخنگویانی برای جناح اقلیت انتخاب شدند. پاسخ اقلیت به نامه مرکبیت داده شد که در واقع نوعی اولتیماتوم به مرکبیت بود. با این نامه یا مرکبیت ناگیر به پیشنهادات ما میشد وبا انشاعاب قطعی بود. پیشنهادات ماهم دراین نامه، اصولی و عملی بود. از جمله این که حقوق دمکراتیک اقلیت به رسمیت شناخته شود. مبارزه ایدئولوژیک علني گردد. رفاقتی که مسئولیتی های اجرائی و مرکز تضمیم گیری سازمان حضور خود گماره شوند. اقلیت در تمام ارکانهای اجرائی و مرکز تضمیم گیری سازمان حضور داشته باشد. مسئله حاکمیت بعنوان مستله محوری مورد اختلاف در کوتاه ترین زمان مورد بررسی قرار گیرد. مبارزه ایدئولوژیک تحت نظرات اقلیت واکریت جریان یابد واز هم اکنون تاریخ قطعی برکاری کنگره مشخص شود. تاریخ این نامه ۵۹/۹/۲۱ است. دراین نامه همچنین گفته شده بود که چنانچه تا ۱۵ روز دیگر مرکبیت موضع خود را نسبت به این پیشنهادات روشن نکند، مبارزه ایدئولوژیک را علني خواهیم کرد. طبیعتاً طرح این مهلت به آن معنا بود که مامن در تاریک انتشار علني موضع مان باشیم تا اگر مرکبیت از پیش خواستهای ما سریاز زد، مبارزه ایدئولوژیک را علني کیم.

۱۴ - درمورد ماجرای کار ۶۱ که بعد از پذیرفته شدن مبارزه ایدئولوژیک علني که در آن موضع اقلیت واکریت بصورت اقلیت وسازمان درج شده بود، یکی از اعضاء مرکبیت وقت عنوان کرده است شما وهمچنین رفقی حیدر و کلام رفاقتی حنخواستید انشاعاب ظاهراً از این موضع خوشحال بوده اید چون درجه صورت بخواستید انشاعاب کنید. درهیمن روابطه انتشار کار ۶۱ در ۱۳ خداد که بالای آن تاریخ ۱۳ خداد نوشته شده را دلیل می آورد که در هر حال اقلیت تمیم خود را به انشاعاب و انتشار مستقل نشیوه کار گرفته بود. از سوی دیگر بودند کسانی که در آن مقطع جزو رفاقتی اقلیت بودند، در صحبت یکی از این رفاقت نیز چنین مضمونی نهفته است از قبیل اینکه اکثریت به تمام خواستهای اقلیت پاسخ مشت داده بود وحتی پذیرفته شدن تمام شروط اقلیت هم توانست شور و هیجان اقلیت را که برای انشاعاب بی قابی میکرد فرو بشاند سوال این است که اولاً آیا واقعاً جریان اکثریت پرخلاف فرقاهای خوش عمل کرد یا نه؟ بعد هم آیا دراین اقدام تعهدی در رابطه رفاقتی اقلیت سوی انشاعاب وجود داشت یا نداشت؟ علاوه براین آیا شما فکر میکنید اگر آن مسئله یعنی درج نام اقلیت وسازمان (جای اکثریت) بموضع حذف و اصلاح میشه مسئله انشاعاب به چه صورت در می آمد؟ بویژه آنکه بعضی ها معتقدند برای جلو گیری از انشاعاب لاش کافی بعمل نیامده است!

دراین که دو جناح «اقلیت» و «اکثریت» به لحاظ موضع و خط مشی به نقطه ای رسیده بودند که دو خط مشی بکلی متفاوت داشتند و دیگر نیتیتوانستند دردون یک تشکیلات، مبارزه مشترکی پیش ببرند، من نه در آن ایام ونه امورز تردیدی نداشته وندارم، انشاعاب قطعی واصولی بود. درینجا از نظر من مسئله زمان و شکل انشاعاب مطرح بود. من اصلاً توهی نالاشتم که مرکبیت پیشنهادات اقلیت را برای پیشبرد یک مبارزه اصولی می پذیرد وبا تشکیلاتی که تا مغز استخوان فاسد وپرتو نیست شده بود واز نظر من حزب توده دیگری بود، میتوان به مسیر اتفاقات و دفاع از اهداف و ارمنهای طبقه کارگر باز گرداند. معهذا معتقد بودم که اگر اکثریت زیر فشار ما لااقل مبارزه ایدئولوژیک درنشیوه کارزا به طور جلدی پیشبرد، تیجه مشبی که برای ما خواهد داشت، این است که توده های وسیع هوادار سازمان که دارای گریشات رادیکال و اقلابی بودند، با موضع ما آشنا خواهند شدومشی «اقلیت» را خواهند پنیافت. مدت زمان تعیین شده گذشت وپرخلاف ادعای برخی افراد، در مصاحبه با اتحادکار، اکثریت به هیچیک از پیشنهاداتی که اقلیت درپاسخ

پیش نمی آمد. بهر حال استعفا برای ملتی محلود بود وهمین که ما موضع مان را تنویں کردیم، آمادکی خود را برای انجام هروظیفه تشکیلاتی با رعایت حقوق مان را اعلام نمودیم

۱۱ - شما در مصاحبه خود با نشریه اتحادکار، ضمن اشاره به وجود اختلافات درون سازمان درسال ۵۸ بطور مشخص اختلاف پرس تاکیک ها و برخود با حاکمیت گفته اید که گرایش اقلابی سازمان از بحث ناشیه هیچکاری از سوی مبارزه ایدئولوژیک ناشیه نمودند. اگر به آن نوشتہ رجوع کنیم در آن جا گفته شده است که «تنها با پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک بین اقلیت واکریت بمحضه مستله فوق است که میتوان زمینه وحدت ایشان را انجام داد. میتوانست انجام دهد که از انجام آن سر باز زد؟ و بالاخره آن اگر خلاف آن میکرد که گرد، چه قایروی بر روند انشاعاب وجدانی میگذاشت؟

اشارة من در آن مصاحبه به در آن مصائب به راه حل ها پیشنهادات ما برای حل اختلافات وبحار سازمان بود که دردو نوشته جدایانه خطاب به تشکیلات ارائه دادیم. دراین نوشتہ ها تأکید شد بود که پیش از آنکه فرست از دست بود، پیش از آنکه بحران به چند پارکی سازمان بیانجامد. باید یک مبارزه ایدئولوژیک علني را برای حصول به وحدت ایدئولوژیک - سیاسی ویک خط مشی منسجم سازمان داد. باید عملکرد چند ماه پس از قیام را جمعبندی کرد و بالاخره باید عالی ترین ارگان سازمانی را برای تصمیم گیری فرا خواند. هیچ پاسخی به این پیشنهادات از سوی مکریت داده نشد. و پس از پیشنهاد را تشکیل دادند که نه تنها مسئله ای از اینه پیشنهادات از سوی مکریت داشت وهمان باره ای از اینه مسائل سازمان و جنبش را حل نکرد بلکه به اختلافات وتشدید بحران دامن زد. اگر واقعاً پیشنهادات ما در همان مقطع عملی میشد، شاید اصلاً انشاعاب بوقوع نمی پیوست. چرا که در آن مقطع حتی جریان راست هم نظر منسجمی نداشت واحتمال مهارکردن آن وجود داشت.

۱۲ - ایده مبارزه ایدئولوژیک علني توسعه چه کسی وکی مطرح شد؟ مسئله دفاع رفاقتی ما در جنگ اقلیت از مبارزه ایدئولوژیک علني تاچه حد مبتنی بر اتفاقات واقعی بود؟ تاچه حد واکنشی در پیادر جنگ اقلیت ایشان مسدود شدن مبارزه ایدئولوژیک درونی موضع را به بیانه ای برای انشاعاب قبیل کرده باشند و درنظر آنها موضع مبارزه ایدئولوژیک علني پرچمی برای انشاعاب باشد؟

ایده مبارزه ایدئولوژیک علني برای نخستین بار در تشکیلات سازمان از سوی تحریره کار مطرح شد. این ایده در همان نوشته های تیریمه و شهریورمه خطاب به تشکیلات منعکس است. در طیف تیرهای «اقلیت» این مسئله نه یک امر و اکنی، بلکه اعتقادی بود. واستناد ما دراین مورد عملنا جنبش سوسیال دمکراسی روسیه و حزب بالشویک بود. برای نخستین بار رفاقتی ما نظرات لینین را پرس این مسئله ترجمه و حتی بصورت جزو منشیر کردند. این را هم منکر نمیتوان شد که در طیف نیروهای اقلیت کسانی هم بوده اند که اصلاً به مسئله مبارزه ایدئولوژیک علني اعتقاد نداشتند. یک واقعیت دیگری هم باید به آن اشاره کرد وای های مختلف از مبارزه ایدئولوژیک علني بود. خود من ببارزه ایدئولوژیک علني در چار چوب ضوابطی که لینین آنها را مورد بحث قرار داده معتقد بودم.

بهر حال این ادعا که اقلیت مبارزه ایدئولوژیک علني را پرچمی برای انشاعاب کرده باشد درست نیست. مبارزه ایدئولوژیک علني ما با انشاعاب همراه شد، اما نه براساس یک دیدگاه معین و پرچم کردن آن برای انشاعاب.

۱۳ - شما اشاره کرده اید که اکثریت سراجام موافق کرد که اقلیت برای پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک چند حوزه تشکیل دهد که این حوزه ها هم تشکیل شد و به توین دو جزو هم انجامید که مرکبیت نه فقط از گذاشتن این جزو ها به بحث دردون تشکیلات سرواز زد بلکه اضافه برآن تهدید فامه ای هم علیه اقلیت مادر کرده است.

اولاً بگویند این حزوه هاچگونه وتوسط چه رفاقتی توین شد و بعد هم مرکبیت با چه استدلال وقت چه عنوانی از پیش آن در دردون تشکیلات انتخاب کرد؟ بعد هم اگر ممکن است اشاره ای به مضمون آن تهدید فامه بشود؟ در ضمن درهیمن روابطه انتشار کار ۶۱ در ۱۳ خداد نهایتی های پیشبرد ایدئولوژیک علني آیا چنین فکری هم وجود داشت که با استفاده از این حزوه های ایدئولوژیک اقلیت ایشان را بزند؟ یاده ای این حزوه های ایدئولوژیک علني پایه ایست؟

(اقلیت) پس از پلنوم دو حزوه برای تلویں نظرات خود تشکیل داد که عملنا شامل اعضاء تحریره پیشین بود به اضافه رفیق هادی وهاشم، اسامی رفاقتی که دراین دو حزوه شرک داشتند در اخیری مرکبیت نیز گذاشته شد. فکر میکنم کسانی که دراین دو حزوه شرک داشتند، از ده نفر تجارت نمیکرد. از آنچنانی که ما پیغم مخالفتیان با مصوبات پلنوم، به عنوان اقلیت سازمانی خود را مزبور کشته و نیز مسئله ضرورت حزب طبقه کارگر تلویں نشانیم. مسائل دراین دو حزوه مورد بحث قرار میگرفت ویر مبنای یک تقسیم کار، چند رفیق، بحث را جمعبندی و تلویں میکردند. تلویں مسائل مربوط به تقسیم کار، چند رفیق، بحث را جمعبندی و تلویں میکردند. مسئله اکثریت در این اقلیتی که اکثریت در ارتباط با حاکمیت درنشیوه کار متوقف شد وبا توجه به مسئله اکثریت که در این اقلیتی ایدئولوژیک درونی که مرکبیت ساخت و موضعی که این حزوه های ایدئولوژیک علني باشند و در نتیجه انتخاب شد. درستوالات قبلي توضیح دادم که کدام رفاقت در تلویں جزو دیکاتوری و تبلیغ مسلحانه شرک داشتند. در تلویں جزو اقتضای ونقض اقلیت نیز رفاقت حیدر، مصوص اسکندری، رسلو و خود من که فصل بحث اقتصادی و نقض قانون اساسی را نوشتم شرک داشتند. ما پیغم این که نظراتمان را درمورد گذشته سازمان جمعبندی و تلویں کرده بودیم، اما دیگر اعتقادی نداشتم که باید این مباحث را به درون تشکیلات فرستاد، چرا که اکثریت موضع خود را درمورد

گردهم آئی امروز به درگیری کشید

در ادامه کشمکشها و درگیریهای جناحهای رقیب هیئت حاکمه، که با دستگیری شهردار تهران ابعاد نوبنی بخود گرفته است، امروز در تهران یک گردهم آئی به طرفداری از شهردار تهران و خاتمه برگزار شد که بین ۴ تا ۵ هزار نفر در آن شرکت داشتند.

در گردهم آئی یورش برداشت و در نتیجه درگیری که پیش آمد تعدادی زخمی و کوهه دستگیر شدند.

تشکیل این اجتماع برغم آنکه از سوی کابینه خاتمه لغو شده بود، حاکی از این واقعیت است که تضادها و کشمکشها درونی جناح های رقیب به مرحله ای غیر قابل کنترل رسیده و بعنوان سیاسی پیوسته عمیق تر میشود.

در بن این اوضاع، آن چه که به توه مردم ایران مربوط میگردد، این است که آنها دیگر نسبت‌خواهند تجربه فاجعه بار به قدرت رسیدن خمینی و جمهوری اسلامی را با امید واهی بستن به ادعاهای و عده های این یا آن جناح تکرار کنند. چرا که تجربه ۲۰ سال گذشته به کارگران و زحمتکشان و روش‌فکران انقلابی ایران نشان داده است که هیچ جناحی از درون هیئت حاکمه منافع توهد مردم و خواستهای آنها نیست.

معهناً تشید تضادها و عمیق تر شدن شکافهای درونی جناح های هیئت حاکمه، این امکان را پسند روزافزونی برای مردم ایران فراهم میسازد که از درون این شکاف و با بهره برداری از تضادهای جناح های رقیب، به جنبش مستقل خود شکل دهنده، تشکلهای مستقل خود را بوجود آورند، مطالبات مستقل خود را مطرح سازند و با مبارزه ای پیگیر تمام بساط جمهوری اسلامی را از ایران جاروب کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) در همان حال که تها از جنبش مستقل توده مردم، و مطالبات مستقل کارگران و زحمتکشان و روشنگران انقلابی دفاع میکند و از مردم میخواهد که دست رد بر سینه تمام جناح های حکومت بزنند، اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه انصار حزب الله و نیروهای سرکوب را در حمله به اجتماعات و گردهم آئی ها محکم میکند.

سازمان فدائیان (اقلیت)
۷۷/۱/۲۵

کمیسیون حقوق بشریازهم جمهوری اسلامی را محکوم کرد

گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد که توسط موریس کایپستورن بازرس ویژه کمیسیون در مورد ایران تهیه شده است، منتشر گردید. در این گزارش، جمهوری اسلامی یک بار دیگر بخاطر اقدامات سرکوبگرانه و نقض حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و انسانی مردم ایران مورد انتقاد قرار گرفته و محکوم شده است.

در گزارش سامور ویژه تحقیق نسبت به افزایش اعدامها در ایران ابراز نگرانی شدید شده است. این گزارش به ۱۹۹ مورد اعدامی اشاره میکند که خبر آن طی یک سال گذشته در طبقه عدالت ریزی درج شده است و می افزاید که اغلب این اعدامها در ملاع عام صورت گرفته است.

در این گزارش تأکید شده که در جمهوری اسلامی همچنان مجازات وحشیانه سنگسار معمول است. گزارش به ادامه سرکوب مخالفین، اصرار سران حکومت بر اجرای تقوی قتل سلمان رشدی و دیگر اقدامات سرکوبگرانه و ناقض حقوق انسانی اشاره و آنها را محکوم مینماید.

این گزارش در حالی انتشار میباشد و از عدم بهبود و حتی خامت بیشتر وضعیت مربوط به حقوق بشر در ایران سخن میکرید که در پی انتخابات ریاست جمهوری تبلیغات وسیعی از جانب برخی مخالف در مورد بهبود اوضاع در ایران به راه افتاده است. اما واقعیت امر، که گوشه هائی از آن نیز در گزارش اعکاس یافته این است که حتی اندک بهبود جدی هم در اوضاع صورت نگرفته است. مردم ایران همچنان از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک خود محروم اند. حقوق مدنی و انسانی آنها بشدت لگد مال شده است. جمهوری اسلامی هر صدای اعتراض را با زور و سرکوب خفه میکند. طی یکسال گذشته صدها تن از کارگرانی که بخاطر ابتداشی ترین مطالبات خود دست به اعتراض زده بودند، دستگیر و به زندان محکوم شدند. صدها روشنگران انقلابی نیز بخاطر انتقاد از وضع موجود و به خاطر اعتقادات خود به زندان افتدند. زندانها ابشاره از زندانیان سیاسی است. شکنجه و اعدام همچنان با بیرحمی معمول است. کم نیستند کسانی که به جرم اعتقادات خود اعدام میشوند، اما کسی خبر این اعدامها را نمی شود و در جانی انعکاس نمی یابد.

جمهوری اسلامی، مبانگونه که رویادهای چند هفته اخیر نشان داده است، حتی مخالفتهای جناح های درونی خود را نیز تحمل نمیکند. و در مورد آنها نیز مجازات زندان همراه با شکنجه اعمال میشود. حالاً دیگر همکان از شکنجه جسمی و روحی شهرداران تهران آگاهند. تمام این واقعیات نشان میدهند که جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت مذهبی رژیمی سرکوبگر و دشمن هر گونه آزادی و دمکراسی است. این رژیم حقوق دمکراتیک مردم را رعایت نخواهد کرد. اثرا باید برانداخت و راه دیگری جز لین در برابر مردم نیست.

سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۷/۱/۱۹

خود به نامه مرکزیت مطرح کرده بود، پاسخ مثبت نداد. تنها گفتند که ما میتوانیم نظرات خود را دربرداشت خلق منتشر کنیم. که این هم نظر مارا تامین نمیکرد، چرا که درنهایت میتوانست درسطح بسیار محدودی پخش شود. لذا تصمیم گرفتیم که خودمان مبارزه ایشانلوژیک را علنی کنیم و مطالب را نیز آماده چاپ کردیم. «(اکثریت)» وقتی دید که درتصمیم خود جانی هستیم ظاهرها موافق کرد که درنشریه کار سنتوی به مبارزه ایشانلوژیک اختصاص یابد و «(اقلیت)» مواضع خود را درلين ستون منتشر کنند. برای ما پذیرش این تنها مورد از پیشنهادتمان هم، آن اهمیت را داشت که پیشنهاد آنها را پذیریم ویخشی از مطالب را برای چاپ فرستاده شد، رفقانی که درابین بخش کار میگردند به ما خبر دادند که آنها نوشته خود را نه به نام «(اکثریت)» بلکه بعنوان نظر سازمان مطرح کرده اند. دراینجاهم دیلیم که آنها حاضر نیستند یک مبارزه ایشانلوژیک اصولی و سالم را پیش ببرند. دراینچابود که دیگر هرگونه اعتماد به حرف آنها را درابین زمینه نیز از دست دادیم و تصمیم قطعی گرفتیم که خودمان مبارزه ایشانلوژیک را علنی کنیم و کردیم. چرا که اکفرضا نام اقلیت و اکثریت نیز درابین مورد حل میشد، فردا مان دیگری برس راه پیشبرد مبارزه ایشانلوژیک ایجاد را لعلی کردیم، اما اعلام جانی و انشاعاب نکردیم. از همین رو نشریه کار راه بعنوان ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بلکه بعنوان «کار» ویژه مسائل حاد و غیر مسائل منتشر کردیم که تماماً به مبارزه ایشانلوژیک اختصاص داشت. ما با انتشار کار ویژه همان هدف اشاعه نظریه ایشانلوژیک دوستی جنبش دنبال کردیم، و این «(اکثریت)» بود که با انتشار بیانیه خود درسطح جنبش اعلام انشاعاب نمود. یا بعبارتی انشاعاب را جلو انداخت چون بهر حال انشاعاب قطعی بود.

۱۵ - شما فکر میکنید موضوع مناسبات تشکیلاتی، ضوابط حاکم برآن و درگاهای بورگراویک از این مناسبات و با عبارتی پائین بودن فرهنگ دمکراتی درون حزبی و یا درون سازمانی، چقدر درابین انشاعاب موثر بود؟ مثلاً اگر در کجا دارمینه تحمل ایده های مخالف در حد فعلی بود آیا انشاعاب بازهم اجتناب نمیگیرد؟ بویژه آنکه ما بعدها، درهدو سو م اقلیت وهم اکثریت شاهد مسائل انشاعابی هستیم که دست

بدون تردید یکی از اشکالات جانی تشكیلات ما، فقلان مناسبات سالم و اصولی مبتنی بر اصل ساترالیسم دمکراتیک بود. اگر این اصل بمناسبات تشکیلاتی ما حاکم می‌بود، سیاری از اختلافات پیش نمی‌آمد، برخی انتلافات میتوانست به شکل اصولی حل گردد و شاید اصلاً انشاعابی رخ نسیان، چرا که مسائل میتوانست دریک معجزی صحیح مطرح شود و گرایش راست بدون اینکه قدرت بهبود و گرایشات نظری و فکری هم بالا خواهد بود. متفاوت خواهد بود که اینکه رسیده رسد به اجرای درتشکیلات ما پس از قیام حتی یک اساسنامه هم وجود نداشت تاچه رسید به اینکه رسیده تشكیلات را از اشاعاب بگیرد. و بعد هم داشتن اساسنامه یک مسئله بدمورد آن تصمیم بگیرد. و بعد هم مناسبات تشکیلاتی مبتنی بر اصل ساترالیسم دمکراتیک، اشکال دیگر تشكیلات ما درابین بود که فائد برناشد، استراتژی و تاکتیکهای مشخص بود. و این مسئله هم نقش مهمی هم در انشاعاب میان اقلیت و اکثریت وهم انشاعابات بعدی داشت.

۱۶ - صرف نظر از برحورهای نادرست اکثریت درکل شما فکر میکنید بالاخره برحوردهای نادرستی هم از جانب افکیت که به تشیید بحران داخلی انجامیده و منجر به انشاعاب شده باشد صورت گرفته است یا نه؟ واگر نمونه یا نمونه هائی هست مثال بزینید و یکنید که اینها چه نقل و جایگاهی درکل مسئله انشاعاب داشت. مثلاً اینکه تحریریه کار که نظر خودش را بطور مستقل و بدون توجه به نظرات مرکزیت به نشره میرد، آیا این حکومت میتوانست طرف مقابل را به عکس العمل وادارد و یا در آن تاثیر بگذارد یا نه؟ یا بعنوان مثال آنطور که عنوان شده استه

من معتقدم که مجموعاً برحوردهای اقلیت اصولی بود. اما دربرخی موارد برحورهای نادرستی هم از جانب اقلیت صورت گرفت. این برحوردهای نادرست بخصوص پس از پلنوم، دربرفراری مناسبات غیر تشکیلاتی از جانب برخی رفقاء، آن جنبه از استغفارهای خود ما تا آن حد که حالت بازیکوت داشت، وتفی و انکار اتوریته ارگانهای رهبری درحالی که ما هنوز عضو تشكیلات بودیم، اینها به نظر من اصلی ترین برحوردهای نادرست اقلیت بود. اما این برحوردها نتش قابل ملاحظه ای بروند انشاعاب ندانشند. درمورد تحریریه نشریه کار، من اشکال وایراد جانی به کار آنها نمی‌بینم اگر مرکزیت نظر ویا موضعی داشت که می‌بایستی درنشریه چاپ شود، چاپ میشد، هرچند کدر اغلب موارد تحریریه موافق آنها نبود. درمورد این مسئله هم که بدون توجه نظرات مرکزیت، نظر خود را دربرخوردهای نادرست بخصوص پس از هیچگاه از مرکزیت بعنوان یک ارگان ویا رفیق حیدر، نماینده مرکزیت درتحریریه نشنبیم که از لین بایت به تحریریه انتقاد داشته باشدند، چون سازمان هنوز درسیاری از مسائل نظر مشخصی ندانشند. تحریریه درجریان یک بحث جمعی موضعی اتخاذ میکرد. درمورد حکومت مسئله متفاوت بود، تحریریه حکمیت را ضد اقلایی میدانست و این موضع را پیش میبرد. درست است که دردورن مرکزیت گرایش فکری دیگری خلاف نظر تحریریه وجود داشت، اما تامقطع پلنوم نظر تحریریه بطورضمی نظر رسمی سازمان بود.

أخبار کارگری جهان

اعتراض میلیونها کارگر در روسیه

روز ۹ آوریل، همزمان با برگزاری اجلاس دومای روسیه حول انتخاب نخست وزیر، میلیونها کارگر در سراسر این کشور دست از کار کشیدند و به تظاهرات و راهپیمایی در دهها شهر پرداختند. در این روز بیش از دو میلیون کارگر به دعوت اتحادیه های کارگری و در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت و عدم پرداخت دستمزدها به خیابانها آمدند. آنان با حمل پرچمها سرخ و نشان داس و چکش و با دادن شعارهایی از جمله «مرگ بر بورژوازی» و «دستمزدها را پرداخت کنید»، مخالفت خود را با دولت ورشکسته حاکم به نمایش گذارند.

طی اعتراض اخیر که یکی از بزرگترین حرکات اعتراضی کارگری طرف سالهای گذشته است، کارگران در مناطق صنعتی یکپارچه به حرکت درآمدند. در منطقه صنعتی سن پترزبورگ، بیش از ۷ هزار تن در صفوه یکپارچه به راهپیمایی پرداختند. در کوزباس سیبری، متاجوز از ۶۰ هزار تن از معدنچیان روسیه دست به تظاهرات زدند و خواهان دریافت دستمزد معوقه خود شدند. در مسکو قریب به ۴۰ هزار کارگر در مقابل برناهای دولت در این راستا عبارت است از: انجام دستمزدها در ۳ سال آینده، افزایش و همزمان شناور سازی ساعات کار مفتکی، کاهش هزینه های رفاهی و علم پرداخت اضافه کاری به ۷ هزار کارگر شاغل در لین شرکت. اعلام این تصمیم موجی از نارضایتی و اعتراض را در میان کارگران برانگیخت. روز ۳ آوریل، هزاران نفر از کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی به دعوت اتحادیه سراسری کارگران یونان GCTU به مدت ۳ ساعت دست از کار کشیدند. با این حرکت حمل و نقل شهری مسافران در شلوغترین ساعات روز، در چندین شهر به کلی متوقف شد. روز ۴ آوریل بیش از ۱۵ میلیون کارگر روسیه اعلام نمودند که بیش از ۱۵ ساعتی ساعات کار مفتکی، کاهش هزینه های رفاهی و علم پرداخت اضافه کاری به ۷ هزار کارگر شاغل در لین شرکت. اعلام این تصمیم موجی از نارضایتی و اعتراض را در میان کارگران برانگیخت. روز ۳ آوریل، هزاران نفر از کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی به دعوت اتحادیه سراسری کارگران یونان GCTU به مدت ۳ ساعت دست از کار کشیدند. با این حرکت حمل و نقل خود درآورده اند. این حرکت باعث استعفای مینیم متعاقب شد. در این روز صدها پروازلغو شد. کارگران بحران اقتصادی، بطری متوسط Olympic دست به یک اعتراض روزه زدند. در این روز کارگران خشنگیان، به دفتر مدیریت این شرکت حمله برد و آنرا چند ساعت به اشغال خود درآورده اند. این حرکت باعث استعفای مینیم نیز شرکت شد. در این روز صدها نیز صدها نفر از نیروگاههای برق این کشور نبیز اخطار کردند که در صورت عدم عقب نشینی دولت، دست به احتساب خواهند زد.

۳۳ معدنچی در اوکرائین کشته شدند

در حادثه وحشتناک معدن اوکرائین، ۶۳ معدنچی جان خود را از دست دادند. این اتفاق جاری که در ۵ آوریل سال جاری به وقوع پیوست، در نتیجه نبود ضوابط و استانداردهای ایمنی در معدن رخ داد. طی سالهای گذشته، حوادث متعددی در معادن لین مناطق رخ داده و صدها کارگر قربانی شده اند.

جمهوری چک: روز ۸ آوریل، صدها نفر از کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی در مقابل ساختمان دولت در شهر پراک تجمع نموده و خواستار توقف سیاستهای اقتصادی دولت شدند. بنابر تصمیم دولت لین کشور، برای تدارک مقدمات اقتصادی عضویت جمهوری چک در ناتو و اتحادیه اروپا اتخاذ سیاستهای اقتصادی ضروری است که بی امده آنها در کام نخست کاهش دستمزدها، محدودیت حقوق اتحادیه ائی کارگران و اخراج هزاران کارگر از موسسات دولتی خواهد بود.

لهستان: روز ۱۷ آوریل، نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر از معدنچیان لهستان دست از کار کشیده و در شهرهای مختلف این کشور دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند.

برای هموار نمودن راه عضویت لهستان در بازار واحد اروپا، دولت این کشور تصمیم به تعطیل چندین معدن

ذغال سنج در این کشور گرفته که این کار در کام

نخست بیکاری هزاران معدنچی را به دنبال خواهد داشت.

* با به بن بست رسیدن مذاکرات بین نمایندگان کارگران بزرگترین معدن مس لهستان در منطقه Rudna با کارفرما، روز ۳ آوریل، صدها نفر از معدنچیان شرکت تولید مس KGHM، که ۳/۵ درصد تولید مس در جهان رادر اختیار دارد. دست از کار کشیدند. به دنبال این حرکت، روز ۴ آوریل کارگران دو معدن دیگر نیز به اعتضابیون پیوسته و خواستار توقف تصمیم کارفرما مبنی بر انتقال بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران این شرکت با دستمزدی کمتر به دیگر کارخانه های گروه صنعتی KGHM شدند. کارگران مبارز این ۳ معدن با تشکیل کمیته های اعتضاب اعتراضات خود را همانگاه کرده و از خروج مس تولید شده از این معدن جلوگیری کردند.

نیکاراگوئه: روز ۲ آوریل، هزاران نفر از کارگران، کشاورزان، داشجویان و دیگر اقشار زحمتکش نیکاراگوئه، به خیابانهای پایتخت این کشور، مانگاوا،

کارگران با طرح پیشنهادی نمایندگان خود مخالفت کردند و کار را به اعتضاب عمومی میکشانند. این بار نیز از روز ۲۷ آوریل، تمامی ۵۶۰ هزار کارگر شاغل در بخش خصوصی دانمارک دست به اعتضاب زدند. خواست محوری کارگران افزایش مرخصی سالانه از ۵ هفته به ۶ هفته، کاهش ساعت کار مفتکی به ۳۰ ساعت در هفته، کاهش سن بازنیستگی و افزایش دستمزدها است. کارگران میاز میاز با تشکیل کمیته های اعتضاب در سراسر دانمارک، از کار اعتضاب شکنان جلوگیری کرده و عنم استوار خود را به ادامه مبارزه به نمایش گذاشتند. روز ۲۸ آوریل، هزاران نفر در چندین شهر دست به تظاهرات زده و بر خواستهای خود پای فشندند. در همین رابطه اینبار و تلویزیون با ارائه تصویری غیر واقعی و مغرضه در میان توده مردم وحشت ایجاد کرده و هزاران نفر بطور بی سابقه به سوپر مارکتها و پمپ بنزینها هجوم برده و اقnam به جمع اوری مواد غذائی، سوختی و مایحتاج اولیه خود نمودند.

آلمان: روز ۷ آوریل، صدها نفر از بیکاران آلمان در تعدادی از شهرهای این کشور دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان در مقابل دفاتر کارپایی تجمع نموده و خواهان رسیدگی فوری به خواستهای خود شدند. اتحادیه سراسری بیکاران آلمان اعلام نمود که تا انتخابات ماه سپتامبر پارلمان این کشور، هر ماه یکبار دست به ظاهرات و راهپیمایی خواهد زد. تعداد واقعی بیکاران در آلمان بالغ بر ۶ میلیون نفر است که از ده میلیادی تا کنون بیسابقه بوده است.

استرالیا: اکنون ماهها است که کارگران بارانداز استرالیا مبارزه همه جانبه ای را علیه سیاستهای ضد کارگری دولت محافظه کار این کشور آغاز نموده اند. دولت این کشور به بهانه آزاد سازی روابط کار در بنادر این کشور، دست به کارفرمایان را برای استفاده از کارگران غیر عضو اتحادیه کارگری باز گذاشته و اختیارات زیادی برای استخدام و اخراج کارگران به کارفرمایان داده است. در این مدت تمام بنادر این کشور صحنه درگیری مامورین پلیس و گروههای معتبرض کارگران بوده است. کارگران اعتضابی با بلوکه کردن بنادر استرالیا، تخلیه بار کشته های تجارتی را متوقف کرده و به این ترتیب رفت و امده کشته های باری در بنادر مختلف این کشور مختل شده است. از جمله این اقدامات ضد اتحادیه ای، میتوان به آموزش عده ای از سیازان گارد ویژه این کشور در دویی اشاره نمود. این عده میباشد پس از طی دوره آموزشی به عنوان اعتضاب شکن بجا ای ۱۴۰۰ کارگر اخراجی توسط شرکت بارگیری Patrick به کار گرفته میشندند. کارفرمایان بنادر استرالیا از حیات همه جانبه دولت این کشور برخوردار هستند. در واقع این خواست دولت این کشور است که به نفوذ اتحادیه کارگران بندر استرالیا MUA پایان داده و راه را برای استفاده از نیروی کار ارزان کارگران غیر عضو این اتحادیه همراه نماید. این اقدامات آشکارا ضد کارگری، از سوی سازمان جهانی کار نیز محکوم شده است. در تلاوی این اقدامات روز ۷ آوریل، شرکت بارگیری Patrick، که دومین شرکت بارگیری کشته در بنادر استرالیا است. تمامی کارگر خود را اخراج کرده و بلافضله اقدام به استخدام کارگران غیر عضو این اتحادیه نمود. این عمل خشم کارگران را برانگیخته و کارگران به فوریت دست به بلوکه کردن بنادر این کشور زدند. در مدت ۳ هفته کارگران با تجمع در بنادر مختلف این کشور خشم و اعتراض خود را از این اعمال خودسرانه کارفرمایان به نمایش گذاشتند. برای مقابله با کارگران معتبرض، کارفرمایان از کمکهای پیغامیش مأمورین پلیس ضد شورش این کشور نیز پرخوردان بودند که با کمک سگهای خود و گاز اشک اوزار تجمع کارگران اخراجی در بنادر مختلف جلوگیری مینمودند. در همین رابطه هزاران نفر از کارگران یالات

آمدند و در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت دست راستی این کشور دست به راه پیمانی و تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان در صفي به طبل ۱۰ کیلومتر حرکت کرده و خواستار توقف فوری سیاستهای نولیبرال دولت نیکاراگوئه، که مستقیماً از سوی موسسات مالی امپریالیستی دیکته میشود، شدند.

یونان: همچون دیگر کشورهای اروپائی، دولت یونان نیز مذکور است که مشغول تدارک مقدمات اقتصادی عضویت این کشور در اتحاد پولی بازار واحد اروپاست. یکی از این مقدمات، کاهش هزینه های بخششی مختلف دولتی از طریق خصوصی سازیها است. در همین رابطه اینبار نویت به کارگران و کارمندان خطوط هوایی یونان رسیده است که شاهد پی امده وحدت سرمایه داران اروپا باشند. براین اساس دولت باصطلاح سویالیست یونان اعلام نموده است که تعديل نیروی انسانی در لین شرکت قدرت رقابت آن با دیگر خطوط هوایی های رفاهی و اینبار نویت به کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی است که یک اتحادیه های کارگری روسیه اعلام نمودند که بیش از ۱۵ میلیون کارگر و زحمتکش روس، ماههای است دستمزد و حقوق خود را دریافت نکرده اند. این دولت روسیه بابت پرداخت آن معادل ۱۵ میلیون مارک آلمان بهدکار است. همین منابع افزوده اند که طی سالهای گذشته با تشیید بحران اقتصادی، بطری متوسط Olympic دست به یک اعتراض روزه زدند. در این روز صدها پروازلغو شد. کارگران همواره دستمزد خود را با تأخیر دریافت کرده اند. کارگران بخششی خدمات، آموزش و پرورش و بهداشت نیز مشمول این گروه بوده اند.

جمهوری چک: روز ۸ آوریل، صدها نفر از کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی در مقابل ساختمان دولت در شهر پراک تجمع نموده و خواستار توقف سیاستهای اقتصادی دولت شدند. بنابر تصمیم دولت لین کشور، برای تدارک مقدمات اقتصادی ضروری است که بی امده آنها در کام نخست کاهش دستمزدها، محدودیت حقوق اتحادیه ائی کارگران و اخراج هزاران کارگر از موسسات دولتی خواهد بود.

کره جنوبی: روز ۱۶ و ۱۷ آوریل، کارگران کارخانه Kia Motors Corp دست از کار کشیدند. این اعتمادی اتومبیل سازی، Kia Motors Corp دست از کار کشیدند. این اقدامات ضد اتحادیه ای از سیاستهای دولت شدند. بنابر تصمیم دولت مبنی بر فروش این کارخانه انجام گرفت. کارگران اعلام نمودند در ناتو و اتحادیه اروپا اتخاذ سیاستهای اقتصادی ضروری است که بی امده آنها در کام نخست کاهش دستمزدها، محدودیت حقوق اتحادیه ائی کارگران و اخراج هزاران کارگر از موسسات دولتی خواهد بود.

دانمارک: روز ۲۴ آوریل، طرح پیشنهادی اتحادیه کارفرمایان دانمارک DA و شورای سراسری اتحادیه های کارگری LO برای قرارداد دسته جمعی در ۲ سال آینده، از سوی بیش از ۵۶۰ هزار نفر کارگر شاغل در بخش خصوصی این کارخانه انجام گرفت. کارگران اعلام نمودند در ترتیب طبقه کارگر دانمارک این حق را خواهد داشت که از حق اعتضاب خود خود استفاده کرده و نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به سیاستهای سرمایه داران به نمایش بگذارد. در دانمارک نیز به دیگر کارخانه های گروه صنعتی KGHM شدند. کارگران مبارز این ۳ معدن با رادر اختیار دارد. دست از کار کشیدند. به دنبال این حرکت، روز ۴ آوریل کارگران دو معدن دیگر نیز به اعتضابیون پیوسته و خواستار توقف تصمیم کارفرما مبنی بر انتقال بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران این شرکت با دستمزدی کمتر به دیگر کارخانه های گروه صنعتی KGHM شدند. کارگران مبارز این ۳ معدن با رادر اختیار دارد. دست از کار کشیدند. به دنبال این حرکت، روز ۲ آوریل، هزاران نفر از کارگران، کشاورزان، داشجویان و دیگر اقشار زحمتکش نیکاراگوئه، به خیابانهای پایتخت این کشور، مانگاوا،

اطلاعیه مشترک

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه، روز جهانی کارگر فرا رسیده است. کارگران سراسر جهان، هرساله در این روز با دست کشیدن از کار و پرایانی تظاهرات به نشانه همبستگی و مبارزه بخاطر رهانی و ایجاد جامعه نوین و انسانی جشن میگیرند. کارگران ایران نیز اگرچه تحت شیدت ترین فشارهای اقتصادی و معیشتی قرار گرفته اند و در زیر سایه شوم اختناق و استیضاد اسلامی سر میبرند و بعلت فقدان آزادیهای سیاسی، از برگزاری مستقل و آزادانه راهنمایی و جشن اول ماه مه محروم اند، معنده آنان نیز با دست کشیدن از کار و استفاده از سایر شیوه ها واشکال ایتکاری خود، روز اول ماه مه را جشن میگیرند و همبستگی خود را با سایر کارگران درسراسر جهان اعلام میدارند.

کارگران ایران امسال در این روز جهانی کارگر به پیشواز اول ماه مه میبرند که بحران سیاسی بسیار حادی سرتا پای جمهوری اسلامی را فرا گرفته و تشیید اختلافات درونی آن، جناح های حکومتی را به صفت آرائی علیه در برابر یکیگر کشانده است. این اختلافات و کشمکش ها اکر چه بسیار حاد و جدی است و موضوع رقبت برای چنگ اندازی بر سهم بیشتری از امتیازات و قدرت حکومتی، کار جناح ها را حتی به کنک کاری، افشاء افتضاحات و رسوایی های یکیگر کشانده است، معهدها همینکه نوبت به کارگران و مطالبات آنها میبرند این حضرات در اتخاذ سیاستهای ضد کارگری کمترین تردیدی بخود راه نیلند و از پنیرش مطالبات کارگری طفره میبرند.

در حالیکه افزایش سرمایم آور قیمت ها و رشد لجام گسیخته نرخ تورم، کارگران را به لحاظ تامین نیازمندیهای زندگی با شرایط پس دشوار و طاقت فرسائی روپرداز ساخته است. در حالیکه دستمزد کارگران انتقال ناچیز است که حتی به اعتراف مسئولین تشکل های کارگری وابسته به رژیم فقط میتواند ۳۰ درصد نیازهای کارگران را بر آورده سازد ولذا کارگران برای تامین حداقل معاش خود، از منتها قبل خواستار افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم بوده اند. مرتعجن حاکم برعکس اختلافاتی که با یکیگر دارند، این بار نیز سیاست گذشتۀ دربرابر کارگران روش وابدی اتخاذ نموده و از پنیرش خواست افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم سیاز زند. آنان با افزایش درصد بسیار ناچیزی بر دستمزدهای اسما که هیچگونه تناسبی با رشد نرخ تورم تباره و افزایش بلا فاصله چندین برابر آن بر قیمت ها، تعرض جدیدی را به سطح معیشت کارگران آغاز نموده و همه مزد بگیران را به فقر و گرسنگی بیشتر سوق دادند.

با این همه مشکل کارگران به و خامت روز افزون اوضاع اقتصادی و معیشتی محلود نمیشود. مشکل کارگران ایران به این هم خلاصه نمیشود که امنیت شغلی ندارند و در برابر عوایق فلاکت باز نظم اقتصادی - اجتماعی موجود، از هرگونه تامین اجتماعی جدی در برابر بیکاری، سوانح ناشی از کار، نقص عضو وغیره وغیره محروم اند. مسئله این است که در جمهوری اسلامی، کارگران حتی از حق اعتراض به این شرایط غیر انسانی واز حق اعتصاب هم محروم اند. ضیلت جمهوری اسلامی با آزادیهای سیاسی و حاکیت استیضاد و اختناق پر جامعه، کارگران ایران را حتی از حق ایجاد تشکل های مستقل خود نظریه سنتیک، اتحادیه و امثال آن که در سایر کشورهای سرمایه داری به رسیت شناخته شده است نیز محروم ساخته است.

جمهوری اسلامی از بنیاد مخالف آزادیهای سیاسی و تضُّع کننده حقوق دمکراتیک کارگران است. جمهوری اسلامی حافظ نظم غیر عادلانه موجود و حرast کننده منافع اقليتی از جامعه یعنی مفتخران و چاولگران است که در گفت حمایت این رژیم سودهای کلاتی را به جیب زده اند. جمهوری اسلامی اما برای کارگران و برای اکثریت مردم زحمتکش جامعه، جز تشیید فشارهای اقتصادی و سیاسی و جز فقر و نکبت وید بختی اریغان ویگری نداشته وندارد. از همین راست که کارگران هم نسبت به این رژیم و جناح های آن توهی ندارند و رهانی خویش را کماکان بایستی از کمال براندازی رژیم تعقیب کنند.

معهدها نباید این حققت را از نظر دور داشت که بحران حاد سیاسی ، تشیید اختلاف دریالا و تعقیق شکاف میان حکومتگران، شریط مناسبی را به نفع گسترش مبارزه کارگری و به نفع پی گیری مطالبات کارگری و تحمل آن به کارفرمایان و دولت حامی آنها فراهم ساخته است. و کارگران در مصاف با ارتیاع حاکم داده و مطالبات صنفی و سیاسی خویش را متحققه سازند. در این رویا روئی پیروزی کارگران قبل از هر چیز درگرو اتحاد مبارزاتی و تشکل آنهاست. پس بیانید با حمایت جدی از مبارزه کارگران، به استقبال اول ماه مه برویم و این روز خجسته را به همه کارگران شاد باش بگوییم.

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!
حزب دمکرات کردستان ایوان
سازمان اتحاد فدائیان ایران
سازمان فدائیان (اقلیت)
سازمان کارگران اقلابی ایران (راه کارگر)
اردیبهشت ۱۳۷۷

درگیری هزار تن از مردم منطقه پل ساوه در جنوب غربی منطقه پل ساوه با نیروهای دولتی

چنانین هزار تن از مردم منطقه پل ساوه در جنوب غربی تهران، روز دوشنبه با ماموران انتظامی درگیر شدند. جاده ها را بستند و به مراکز سرکوب رژیم حمله کردند. این جنبش اعتراضی مردم هنگامی بوقوع پیوست که ماموران سد معبر، برای دستگیری جوان سبزی فروشی اقلام میکردند و او فرار ظاهرا آنکه نهاد رژیم پردازند. درین فرار ظاهرا آنکه روز نامه های رژیم ادعای میکنند از بالای ماشین پرت میشود و دردم جان می سپارد.

مردمی که هر روزه شاهدهها و صدھا زورگوئی ماموران دولتی هستند، از این حادثه بخش آمدند. هزار تن که مقامات دولتی تعداد آنها را ۵۰۰ نفر ذکر کرده اند، ۴۵ متري جاده مخصوص کرج را با لاستیک و دیگر وسائل بستند و آنها را به آتش کشیدند. هنگامیکه نیروی سرکوب وارد شد، با نیروهای سرکوب نیز درگیر شدند، و به ساختمان و مراکز دولتی از جمله ساختمان نهاد سرکوبی موسوم به ستاد پیگیری سد معبر وابسته به شهرداری حمله کردند. از تعداد دستگیر شدگان وزخمی ها هنوز خبری منتشر نشده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت پیشیبانی از اندامات اعتراضی توده مردم علیه زورگوئی های حکومت، اندامات سرکوبگانه رژیم جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکنند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۲/۱۵

اعتراض کارگران کارخانه ذوب فلزات یزد

مطبوعات رژیم امروز خبر از اعتراض کارگران کارخانه ذوب فلزات یزد را منتشر ساختند. برطبق این خبر، کارگران این کارخانه که اکنون دو هفته است که دراعتراض بسر میبرند، متجاوز از دو ماه دستمزد دریافت نکرده و عیلی سالانه آنها نیز پرداخت نشده است. ملیارین کارخانه علت علم پرداخت دستمزد و مزایای کارگران را قدان تقینیگی ذکر کرده است.

این ادعای صرفای یک توجیه فربکارانه برای به تعویق انداختن پرداخت دستمزد و مزایای کارگران، واستفاده پیشتر از حاصل دسترنج کارگران برای افزایش سود سرمایه داران است.

سرمایه داران و دولت آنها همواره پول و امکانات لازم را در اختیار دارند که بتوانند دستمزد ناچیز کارگران را پردازنند. هیچ توجیهی برای علم پرداخت دستمزد و مزایای از نظر کارگران قابل قبول نیست و کارگرانی که زندگیشان از امروز به فدا میکنند و آن درسیاط ندارند، نمیتوانند این زورگوئی سرمایه داران را تحمل کنند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن دفاع از مبارزه بحق کارگران کارخانه ذوب فلزات یزد و محکوم کردن زورگوئی سرمایه داران، خواهان پرداخت هرچه سریعتر دستمزد و مزایای کارگران است.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۱/۳۱

یاد داشتهای سیاسی

حرفه اصلی شان دزدی، سوء استفاده، چیزی رغارت است. نمونه تبیک یک چنین نظامی حکومت اسلامی در ایران است که دزدی، ارتقاء، سوء استفاده های مالی وغیره وغیره در آن، چنان بعادی به خود گرفته است که در نوع خود کم نظر است. تاکنون در مقاطع مختلفی که اوضاع انجاب کرده است، حتی مطبوعات رسمی و جبره خوار حکومت صدھا نمونه از آن را بر ملا کرده اند. معهداً تا به امروز تلاش همه حامیان حکومت اسلامی در این بود که نگاردن فسادهای مالی سران طراز اول حکومت بر ملا شود. کشمکش های اخیر جناح ما، اندکی اوضاع را در زمینه این افسارگیرها تغییر داده است. هر جناح میکوشد برای تسویه حساب سیاسی با جناح دیگر کوشش هایی از کافایت کاریها، و فسادهای گسترده جناح دیگر را بر ملا کند.

لین ماجرا از دستگیری شهرداران مناطق تهران آغاز گردید. دستگاه قضائی که از مدتھا پیش پورونه های مربوط به دزدی ها و سوء استفاده های شهرداران را دراختیار داشت، برای چنگ و دنمان نشان دادن به جناح رقیب آنها را دستگیر و به اتهام اختلاس، رشوه خواری و سوء استفاده از اموال دولتی محکوم کرد. جناح مقابل، مسئله فساد مالی را بلکی انکار کرد و قضیه را تماماً سیاسی معرفی نمود. پاسخ دستگاه قضائی پخش و توزیع اختلافات شهرداران از طریق نوارهای ویلندر درسسر ایران بود. سپس نوبت به شهردار تهران رسید که با همان انگیزه ها واتهامات دستگیر شد. این دستگیری نشان میداد که قضیه به همین جا نیز ختم نمیشود و ممکن است پای رده های بالاتر بیان آید. لذا اختلاف طرفداران خاتمی نیز دست به کار شد تا به جناح رقیب بفهماند که اگر قرار است برای تسویه حساب های سیاسی، سوء استفاده هاو فسادهای مالی را مطرح کرد، ما هم دست بکار میشویم. سخنگوی دولت و وزیر ارشاد اسلامی در جریان ۲۰۰ میلیون تومانی در دوران وزارت میرسلیم در وزارت ارشاد پرده برداشت. مطبوعات واپسی به این جناح هم مستقیماً پاییزدی را به میان کشیدند. آنها افشا کردند که دستگاه قضائی از آن شاره کردند. درموره خود یزدی است و به نمونه هایی از آن اشاره کردند. درموره خود یزدی هم نوشتند که او عضو هیئت امنی بنتیاد فاطمیه است که مالکیت کارخانه لاستیک سازی دنا، برجیستون ساقی را بر عهده دارد که این کارخانه به بهای بسیار نازلی به بنیاد فاطمیه فروخته شده و پولهای هنگفتی بین اعضاء هیئت مدیره توزیع شده است. حالاً نوبت به جناح مقابل رسیده بود که آن هم بر ملا کند. پس از آنکه رفستجانی درخطبه های نماز جمعه تهران به نفع شهردار موضوع گرفت وامت حزب الله با شعار «مرگ بر غارتگریت المآل»، بساط نماز جمعه را برهم زدند و رفستجانی را فراری دادند. رسولی نژاد نماینده دماوند و فیروزکوه، در مجلس، طی مصاحبه ای اعلام کرد که اسنادی درموره فساد سوء استفاده های مالی رفستجانی و اطرافیان او دراختیار دارد که به زودی آنها را افشاء خواهد کرد. سران حکومت که دیند این ماجرا به رهبران طراز اول حکومت کشیده است و اگر قرار باشد سوء استفاده ها و فساد مالی ورزیدی «سردار اسازندگی» و «امیرکبیر» ثانی بر ملا گردد فردا نوبت «رهبر» خواهد بود، نماینده فروزکوه و دماوند را واشنگتن که بجالالتا سکوت کند و نگاشتن استادانتش رشود. رجاتی خراسانی یکی از چهره های سرشناس اسلامی در جریان دستگیری شهردار تهران طی مصاحبه ای با یکی از روزنامه ها به یک واقعیت در حکومت اسلامی اشاره کرد. او گفت: «این اختلال وجود دارد که بعد از حاکمه آقای کریاسچی، حقیقی دیگر درموره بسیاری از مسئولیین اجرائی کشور روشن شود»، وی ادامه داد: «درزمان تصدی آقای موسوی اردبیلی درست شورای عالی قضائی به خدمتش رفت و از مشکلات مملکت که باید توسط قوه قضائیه حل شود سخن گفت. ایشان در پاسخ گفتند، «اگر قرار است کسی را بگیریم باید همه را

يعنى جناح «قانونگرا» برای نجات حکومت اسلامی، به مانع «قانونی» برخورد میکند. بسیار بعيد است اما با زور این قوانین و طرح ها، اوضاع سیاسی را به شکل سابق برگرداند، مانع طرح خواست و حقوق زنان گردید و مردمی را که اکنون با خواستهای مستقبل به میان آمدند عقب راند!

اولین علائم اختلاف نظر در ائتلاف خاقمی

نخستین علام اختلاف نظرها پرس پیش برد سیاستها، در صوف متحلین و طرفداران خاتمی بروز کرده است در جریان دستگیری شهردار تهران، کروهی خواستار واکنش شدیدتر وجدی تر در مقابل لین رویداد بودند و کروهی دیگر جانب اختیاط را رعایت میکردند. از درون این جناح ها حتی برخی ها رفستجانی و خاتمی را مورد انتقاد و سرزنش قرار دادند که چرا از موضع کیری صریح سریاز میزنند و یا از انجام اقدامات ضروری علیه جناح دیگر خودداری میکنند. این که برغم درخواست خاتمی مبنی بر خود داری از انجام کردهم آئی و نظاهرات، کروهی چند هزار نفر، تظاهراتی در همان روز بربا کردند، حاکی از همین اختلاف نظرها بود. این مسئله گذشت، اما اختلاف جدی در جای دیگر و پرس پیشبرد سیاستهای اقتصادی بروز کرده است. تشکیل بحران از اوائل سال جاری، خاتمی را واداشت که سیاست مشخصی در مقابل این بحران اتخاذ کند که مطلوب برخی جناح های این اختلاف نبود. این اختلاف در روزنامه «کارشناسان سیاسی» و «کارشناسان اقتصادی» خاتمی را مورد حمله قرار داده که اولاً رئیس جمهور و سخنگوی دولت «درمیسر جریانی که مخالفان سیاسی اهل این اولین روزهای امسال برای ایجاد آن تلاش میکنند قرار گرفتند. به این معنی که خواسته یا ناخواسته تسليیم جریانی شدند که با بزرگ نمائی درباره افزایش قیمت کالاها و خدمات تلاش میکنند تا دولت را مقصر جلوه دهند. احساسات مردم را تحییک کنند و آنها را به دولت ببلیین سازند». ثانیاً - رئیس جمهور «برای مبارزه با دشواریهای فرازی زندگی اقتصادی کشور، نظر کروهی از مشاوران و مسئولان اقتصادی کشور را که طرفداران اقتصاد متذكر دولتی هستند پذیرفته است. این گروه که در این روزنامه از حقوق زنان را به مخوازن شرعاً و قانونی اش میداند و برای سفت تر کردن قید و بند های اسلامی برداشت و پایی زنان و مطبوعات، بندهای قوانین خوبی را تکثیر میکند.

معهدها درین مسئله همچیج جای تردیدی وجود ندارد که این طرح ها و محدودیت ها مخالفت و اعتراض زنان و جامعه مطبوعات را برمی انگیزد. هنوز چندروزی از تصویب این طرح نگشته بود که ۱۸۳ تن از زنان در نامه سرکشاده ای به رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، نسبت به این طرح و تصویب آن اعتراض کردند. دست الدراکان مطبوعات نیز به طرق مختلفی نسبت به این مسئله اعتراض کرده اند. اما همه کان به تجریه دریافته اند که حکومت اسلامی مسئله اش جلب رضایت زنان و مطبوعات نیست. حکومت اسلامی، به اعتبار اسلامی بودنش دنبال اجرای احکام دینی، دنبال ترویج و حوصل موافقین شرعی است. حکومت اسلامی با حقوق آزادی زنان، مغایر و مخالف است. حکومت اسلامی با آزادی مطبوعات بیکانه است و حتی بحث کردن درموره حقوق دمکراتیک ملزم بوده حقوق زنان را هم برمنی تبلیغاتی تحمل و ظرفیت ملزوم درین زمینه را هم ندارد. حکومت اسلامی، حکومت تاریک اثیشان است، پس با پیشنهاد کنترلی برداشتگاه دولت، کارکاران و گردانندگان سیاسی آن اعمال نشود، تمام کسانی که درین دستگاه نقشی دارند،

جمهوری اسلامی مافور مطبوعاتی را هم بونمی تابدا واز دیدگاه جمهوری اسلامی به جم چاپ «صورتیجه» به دادکاه اسلامی احضار و محاکمه گردید. «توهین به مقسات!»! موضوعی نبود که سران حکومت اسلامی، بی تفاوت از کنار آن بگردند و دروغ امر وقتی که آنها با چنین لحن تندی به مطبوعات برخورد نموده و از دشمنی آنها واهلت هایشان به مقصات یاد کردند، دیگر معلوم بود که حمله دیگری علیه مطبوعات تدارک دیده شد است و چنین است که مجلس ارتجاع که اکثر آن با جناح همین آقای یزدی است، طرحی را به تصویب میرساند که موضوع تهدید و فشار بر مطبوعات و کارکنان آنرا، با دست بازتری جامه عمل پیشاند و به آن جنبه قانونی هم بله و همه کان ناظر بودند که بمقابله کوتاهی پس از تصویب این طرح، ودرگرماگم مسئله دستگیری وحیس شهردار تهران، نیروهای انتظامی به چاپخانه ای در تهران حمله بردند و قبل از چاپ و انتشار چند روزنامه که درین چاپخانه بچاپ میرسند، به کنترل وسنسور مطالع آنها پرداختند!

جالب اینجاست که طرح الحق این بند به قانون مطبوعات زمانی به تصویب مجلس میرسد که قانون مطبوعات قبل از این هم بقدر کافی جواز مداخله، کنترل و فشار بر مطبوعات را صادر کرده است و مضماین طرح مصوب، از جمله درینهای ۲ و ۳ و ۴ قانون فوق تکرار شده است! و تاکنین هم هیچ مانع ورادعی وبا بقول جناح قانونگرا، «خلاف قانونی» برای فشار بر مطبوعات وجود نداشته است. اما مرتعین تحت عنوان «شفاف شدن قانون مطبوعات» و آنطور که به صراحت گفته اند، برای «جلوگیری از چاپ مطالبی تحت عنوان دفاع از حقق زن» این طرح را به تصویب رسانده اند تاران آن واحد ضیلت خود هم با مطبوعات وهم با زنان را به اثبات پرسانند. و این قبل از هرچیز دلالت بر حضور و تحرک زنان در صحن سیاسی کشور ویمان کشیده شدن و شفاف ترشیل پیش از مطالبات آنها در راستای خاتمه بخشیدن بر بی حقوقی ها و تبعیضات است. موضوعی که البته برکل جامعه واز جمله برخی های ناخواسته یافت که از قول «کارشناسان سیاسی» و «کارشناسان اقتصادی» خاتمی را مورد حمله قرار داده که اولاً رئیس جمهور و سخنگوی دولت «درمیسر جریانی که مخالفان سیاسی اهل این اولین روزهای امسال برای ایجاد آن تلاش میکنند قرار گرفتند. به این معنی که خواسته یا ناخواسته تسليیم جریانی شدند که با بزرگ نمائی درباره افزایش قیمت کالاها و خدمات تلاش میکنند تا دولت را مقصر جلوه دهند. احساسات مردم را تحییک کنند و آنها را به دولت ببلیین سازند». ثانیاً - رئیس جمهور «برای مبارزه با دشواریهای فرازی زندگی اقتصادی کشور، نظر کروهی از مشاوران و مسئولان اقتصادی کشور را که طرفداران اقتصاد متذكر دولتی هستند پذیرفته است. این گروه که در این روزنامه از حقوق زنان را به مخوازن شرعاً و قانونی اش میداند و برای سفت تر کردن قید و بند های اسلامی برداشت و پایی زنان و مطبوعات، بندهای قوانین خوبی را تکثیر میکند.

معهدها درین مسئله همچیج جای تردیدی وجود ندارد که این طرح ها و محدودیت ها مخالفت و اعتراض زنان و جامعه مطبوعات را برمی انگیزد. هنوز چندروزی از تصویب این طرح نگشته بود که ۱۸۳ تن از زنان در نامه سرکشاده ای به رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، نسبت به این طرح و تصویب آن اعتراض کردند. دست الدراکان مطبوعات نیز به طرق مختلفی نسبت به این مسئله اعتراض کرده اند. اما همه کان به تجریه دریافته اند که حکومت اسلامی مسئله اش جلب رضایت زنان و مطبوعات نیست. حکومت اسلامی، به اعتبار اسلامی بودنش دنبال اجرای احکام دینی، دنبال ترویج و حوصل موافقین شرعی است. حکومت اسلامی با حقوق آزادی زنان، مغایر و مخالف است. حکومت اسلامی با آزادی مطبوعات بیکانه است و حتی بحث کردن درموره حقوق دمکراتیک ملزم بوده حقوق زنان را هم برمنی تبلیغاتی تحمل و ظرفیت ملزوم درین زمینه را هم ندارد. حکومت اسلامی، حکومت تاریک اثیشان است، پس با پیشنهاد کنترلی برداشتگاه دولت، کارکاران و گردانندگان سیاسی آن اعمال نشود، تمام کسانی که درین دستگاه نقشی دارند،

خودداری کنند و دفتر تحریک وحدت هم چنین کرد، هر چند که گروهی یک تظاهرات بپیا کردند و میان آنها با انصار حزب الله و کماندوهای حکومت درگیری هم رخ دارد.

سرانجام پزدی راه حل خود را به خانشی دیکته کرد و از وی خواست که کتابی به خامنه‌ای نامه بنویسد و از وی تقاضای آزادی شهردار را از زندان بکند. او هم چنین کرد. در نامه‌ای به خامنه‌ای ضمن اعلام این مطلب که از تشکیل اجلاس سران سه قوه نتیجه ای حاصل نشده است، گفت: «اگر موافقت فرمائید، شهردار تهران آزاد شود تا پرونده در فضای آرام تر و فارغ از فضاسازی‌ها و جوسازی‌هایی که مضر به رسیدگی مطمئن است» مورد رسیدگی قرار گیرد.

خامنه‌ای هم طی نامه‌ای به بیزدی و توضیح مأوّع، به
بیوی گفت که «دستور فرمایند نامبرده را ازad کنند»
معهذا افزو «بیدیهی است که پیگیری پرونده جاری طبق
مقررات قضائی که جنابالی همواره بران پای فشرده اید
باشد ادامه یابد».

شهردار ازاد شد، اما قرار است که در اینده در یک دادگاه علني محاکمه شود. در پي آزادی شهردار تهران برخی مطبوعات داخلی و خبرگزاریهاي بین المللی چنین تحلیل کردند که اين شکستي برای جناح رقیب خاتمی بود، اما این يك تحلیل واقعی و عینی از واقعه و نتایج آن نبود. هرچند که بیزدی مجبور شد زودتر از یکاه شهربار را آزاد کند، اما ضربه خود را به جناح رقیب زده است. سیاست آنها در مرحله کنونی این است که چند مهره حساس کایته خاتمی از جمله همین شهردار، وزیر کشور، وزیر ارشاد اسلامی را به زیر بشکند. در مورد شهردار تهران موقف شدند. با این بازداشت و انهايات و دادگاهی که در پیش است، او دیگر نمیتواند برای ملتی طولانی در این سمت باقی بماند. احتمال بیشتر این است که قبل از تشکیل دادگاه و اختلاط طرح مسائلي که بنفع جناح خاتمی تمام نخواهد شد، وی استغفا دهد یا عزل شود و بقیه ماجراي او بى سر و صدا خاتمه يابد چرا که جناح رقیب به هدف خود که همانا کثار زدن او بوده، دست یافته

ماجرای دستگیری شهردار تهران ظاهرا با آزادی وی آرام گفته و خاتمه یافته است، اما عواقب آن که تعیق شکاف میان جناح های هیئت حاکمه بوده است، به جای خود یافته است.

ایرلند شمالی:

فرسنگها فاصله تا صلح واقعی

پس از گذشت سالها از مبارزات توده های مردم در ایران شمالي عليه سلطه انگلیس، سرتجام در اوائل اوریل سال جاري، طرح صلحی جهت پایان دادن به درگیری ها به بحث گذاشده شده است. از جمله مفاد لین طرح، اداره مشترک ایران شمالي توسيط دو جناح موسوم به پرووتستانها و کاتوليك ها، آزادی كليه زندانيان سياسی ظرف ۲ سال آيند و خلع سلاح گروههای مسلح است. در این طرح اصلاح از خروج شیوه های نظامی انگلیس که طی سالهای گذشته، سرکوب عنان گسيخته اي را در ايران تبعاعمل نموده اند، بخشی به ميان تيامده است. با اين وجود، در تبليغات پورژوازي از آن به عنوان طرحی جامع برای دستنيابی به صلح در ايران ديد گذاشود.

درواقع امر همانگونه که تعریف مبارزات گلنشته مردم ایرانند نشان میلدهد، آنها مقدم برهجیز خواهان برسمیت شناختن حق خود در تعیین سرنوشت‌شان هستند و تنها از این طریق است که مسئله ایرانند برای همیشه حل خواهد شد. معهداً درهیین محدوده نیز که امروز دولت انگلیس ناگیری به عقب نشینی هائی شده است، تیجه دیگری جز

شهردار تهران، سرکرده کارگزاران، و از متجلین پروپا نرص خاتمی را که از دوران رفستجانی به یک عضو نایاب جلسات کایینه نیز تبدیل شده است، بدون اطلاع رئیس جمهور و وزیر کشور دستگیر و روانه زندان کردند.

با شهید دار تهران شنید.

معاون حقوقی رئیس جمهور مامور بررسی پرونده و دیدار

کفت که ۲ تن از اعضاء دولت، وزیر دادگستری و

سخنگوی دولت که این خبر را اعلام میکرد، از جمله

اطلاعیه معرفی شدند. سرزنگویی در راستای سرنگونی

مهمکارانش دفاع کنند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

ین دستگیری را اقدامی در راستای سرنگونی خاتمی

مقدم باید هوشیار باشند و از رئیس جمهور و

قیامی سیاسی خوانند. نایب رئیس فراکسیون مجمع

آن را ضعیف کننده دولت و رئیس جمهور دانست و گفت

حزب الله در مجلس موضوعی شدیدتر انداخت نمود. آن را

استفاده از اموال دولتی اعلام نمود. لذا با این اتهام،

حضره سیاسی مضاعف بود و جناح های طرفدار خاتمی

ماگر بودند که شیلیا واکنش نشان دهند و تعرض

متقابلی را به جناح رقیب سازمان دهند. وزارت کشور

اصولیتیانی این اقسام را خلاف عرف و روحیه معمول معرفی

نمود و آنرا محکوم کرد. کارگزاران هم با صدور اطلاعیه

ی اتهام اختلال و سوء استفاده را رد کردند و آنرا

قیامی سیاسی خوانندند. نایب رئیس فراکسیون

را بازداشت او را اختلال و سوء استفاده از اموال

را صادر کرد، دلیل بازداشت او را اختلال و سوء

استفاده از اموال دولتی اعلام نمود. لذا با این اتهام،

بجزیه شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۷ ساعت ۱۴:۰۰

میانندگان طرفدار خاتمی در مجلس که در پنجمین نشستهای شهودار تهران بخشا مربوط به سوء استفاده از مکانات دولتی بنفع جناح خود بوده است، تهدید کردند که اگر قرار باشد پای ماجراهای مربوط به انتخابات به اینسان کشیده شود، آنها نیز متنقلاً دست به اشکاری خواهند زد. از جمله، خاتم رمضان زاده گفت «اگر انتخابات بخواهد شکافته شود، خبلی از افراد ضلایعی انتخابات بخواهد شکافته شود، خبلی از افراد که مرتكب جرم شده اند، دستشان رو خواهد شد.» خاتمی و رفسنجانی هر یک جاگاهه نزد خامنه‌ای فتند، تا او را وادارند که دستور آزادی شهودار را صادر کند.

معهداً با تمام این اوصاف جناح رقیب خاتمی کار خود را پیش برد. دستگاه قضائی اعلام کرد که تنها قاضی دادگاه ویژه میتواند در ارتباط با بازداشت شهیدار شخصیم بکیرد و لاغر. آنها حتی به وزیر دادگستری و میانینه دیگر دولت هم که قرار بود، شهیدار تهران را در زندان ملاقات کنند، اجازه ملاقات ندادند. نمایندگان یین جناح در مجلس نیز جناح خاتمی را منهنم کردند که بر سر راه برخورد با غارتگران بیت المال کارشنکنی میکنند. نبوی یکی از سرکردگان آنها در مجلس ارتجاع سلامی، شعار قانون گرایی طوفاندار خاتمی را به حربه ای علیه خود آنها تبدیل کرد و گفت وقتی که شعار قانون گرایی مطرح میشود «باید در عمل نشان دهیم که وقتی پای محک تجربه پیش می آید، همه پاییند به قانون و اجرای آن هستیم . . . این مطلب که بازداشت بکی از میلیاران کشور موجب تعصیف دولت خواهد شد به این معنا است که می خواهیم برای دستگاه اجرایی مصونیت قضائی ایجاد کیم. »

در این بحث که اوضاع به شدت متنشیج شده بود، خامنه‌ای برای آرام کردن اوضاع، سران سه قوه را بهمراه رفسنجانی فراخواند و به آنها دستور داد که بروند و مستله را پنهانی حل کنند که پرونده به روال عادی و به دور از تشنیج رسیدگی شود. اما باز هم نتیجه ای از این شیوه عالی نشد. طرفداران خاتمی به تاکیک‌های عرضی تری متوسل شدند. دفتر تحکیم وحدت فراخوان جمع طرفداران خاتمی را در برابر دانشگاه داد. «شورای هماهنگ نیروهای خط امام» از این فراخوان پشتیبانی کرد. اما دولت از طرفداران خود خواست که از تجمع

بگیریم» واقعا هم همین طور است. روزی که حکومت سرستنگون شود، مردم باید همه آنها را بگیرند تا لاقل شروعهای به یغما برده شده کشور را از آنها پس بگیرند.

بوي کوڈتاي نظامي

است یا تهدید و فشار سیاسی

در درون دستگاه دولتی با لوانی برسر اظهارات فرمانده کل سپاه پاسداران براه افتاده است و مطبوعات وابسته به دو جناح له و علیه وی مطلب می نویسند. وی که در قم دریک گردهم آنی پرسنل نیروی دریائی سیاه سخن میگفت، جناح خاتمی را به شدت مورد حمله قرار داد و تهیید کرد که سپاه پاسداران در مقابل تحولات سیاسی بیکار نخواهد نشست و از زدن گردن و بربند زیان هم ابایی نخواهد داشت. او دریخشی از صحبتهای خود گفت «من به مقام معظم رهبری عرض کردم که یک پیغمد جلید نفاق در لیاس آخرنی در حال شکل گیری است، اینها لیاس آخوند دارند اما منافق اند. دم از قانون میزنند ولی قانون شکن هستند». وی افزود: «بعضی ها را باید گردن بزیم و بعضی هارا باید زبانشان را قطع کنیم. زیان ما شمشیر ماست. من درشورای امنیت ملی گفتم در ارتباط با مسائل تهران، علت اخال در تمامی اینها با همراهگی وزارت کشور بوده است»، ولاخره گفت: «فلسفه سپاه این است که از انقلاب دفاع کند و ما تنها یک ارگان نظامی نیستیم بلکه در زمینه عقیلی و سیاسی هم عمل میکنیم».

این کفتار بچه معناست و چونه باشد از ان در جریان تحولات سیاسی آتی ایران نتیجه گیری کرد. آیا همانکونه که بعضی ها ادعا میکنند، از این سخنان بعیی کوتنا علیه جناح خاتمی می آید یا عجالتا یک تهیید و فشار سیاسی است. خیلی ها در مورد این اظهارات سروصرا راه انداختند و از ((زدن گردن و پریدن زبان)) کویا که پیشنهاد نوطهوری است سخن کفتند. اما آنچه که فرمانده سپاه در اینجا در حرف گفته است، ۲۰ سال به آن عمل کرده است. سپاه پاساران در راس و بهمراه دیگر ارگانهای سرکوب رژیم مزرازن انسان را در لین ۲۰ سال گردن زندن و زبان میلیونها انسان را در لین، اما صلائی از آقایان معترض امروز و همکاران دیروز سپاه در نیامد. اگر آنها امروز زبان به اعتراض می گشایند، از آن روز است که خودشان مورد تهیید قرار گرفته اند. راظههارات فرمانده کل سپاه پاساران آنچه که تازگی دارد هشدار به جناح های رقیب است. اظهارات فرمانده سپاه علیه جناح خاتمی در مرحله کنونی صرفا یک تهیید و فشار سیاسی است، چرا که عجالتا هنوز جناح دیگر نیازی به اقدام نظامی نمی بینند و از ایزارهای غیر نظامی که در اختیار دارد استفاده نکرده است. از لین گذشته، اوضاع سیاسی به گونه ای است که اگر جناح های رقیب بخواهند دست به اقدام نظامی برای تصفیه یکیگر بزنند، احتیلا بحران سیاسی اوج خواهد گفت و رژیم بلست مردم سرنگون خواهد شد.

حریه نظامی میتواند آخرین راه حل بحران از جانب هیئت حاکمه باشد. اما هنوز رژیم و جناح‌های رقیب آن ابزارها و راه حل‌های سیاسی متعددی برای حل مسائل خود دارند. اطهارات فرمانده سپاه پاسداران را اکنون به چیز دیگری جز تهمید و ارتعاب و فشار سیاسی به جناح دیگر نمیتوان تعبیر کرد.

زور آزمائی جناح ها و تعمیق شکاف ها

ماجرای دستگیری شهیدار تهران جدی ترین درگیری و زورآزمائی جناحهای رقیب هیئت حاکمه، در دوران خاتمی بود که نزدیک به دو هفته ادامه یافت و اوضاع مشتبه‌جی را در کلیت رژیم به بار آورد.

صبح روز ۱۵ فروردین سران دستگاه قضائی رژیم یک ضربه سیاسی جلی به جناح طرفداران خاتمی وارد آوردند

اعتراض جهانی: به دعوت «کمپین جهانی دفاع از حقوق کارگران» روز ۱۸ آوریل، روز جهانی اعتراض به شرکت سازنده لوازم ورزشی Nike اعلام شد. در این روز بیش از ۱۵۰ اتحادیه کارگری در سراسر جهان به سیاستهای ضد کارگری این شرکت اعتراض نموده و خواستار تحریم لوازم این شرکت شدند. این اعتراض در پی تصمیم این شرکت مبنی بر اخراج ۱۶۰۰ نفر از ۲۲ هزار کارگر خود انجام گرفت.

بورژیل: روز ۲۶ مارس، ۲ تن از رهبران اتحادیه کارگران کشاورزی بی زمین در منطقه Para به طرز فجیعی توسط باندھای سیاه ملاکین به قتل رسیدند. این دو که به همراه ۵۰۰ خانوار کارگر کشاورزی بی زمین، یکی از مزارع این منطقه را اشغال کرده و قصد تقسیم آن بین این کارگران را داشتند، هنگام خروج از این مزرعه، به قتل رسیدند. اتحادیه کارگران کشاورزی بی زمین یکی از فعالترین سازمانهای کارگری در بزرگی است که تتها در دو سال اخیر بیش از ۳۰ نفر از اعضای آن توسط باندھای اشراو وابسته به مالکین بزرگ و ماموران پلیس به قتل رسیده اند.

قوگیه: بیش از یکماه از اعتضاب غذای زندانیان سیاسی در ۳ زندان این کشور میگذرد. وضعیت اعتضاییون به شدت وخیم بوده و اعتضاییون در شهر Mus استانه مرگ قرار دارند. خواست زندانیان لغو استفاده از سلوهای افراطی، آزادی انتخاب و کیل مدافع، توقف شکنجه زندانیان و آزار و اذیت ویستگان زندانیان توسط مامورین زندان و بهبود وضع بهداشتی زندانها میباشد. در میان زندانیان اعتضایی میتوان به حضور یک زن تبعه آلمان که به جرم عضوبیت در حزب

۶۷

فائق آیند، چرا که در وهله نخست میخواهند در چارچوب حکومت اسلامی و قوانین و مقررات آن، در چارچوب دستگاهی که در راس آن ولی فقیه قرار گرفته و قدرت دولتی عملنا در دست جناح اوست حرکت کنند و سیاست خود را پیش بزنند. لذا این جناح ها نیز از آنجائی که به بی اعتمایی جناح رقیب خود در میان مردم واقع هستند، و فکر میکنند، گام به گام میتوانند، آنها را به عقب نشینی و ادار کنند، قدرت شان را محلود نمایند و بالغکس بر قدرت خود بیافزینند، اینها نیز دنبال گشت زمان اند.

بناراین بیهی است که تازه جنگ و جدال جناحهای هیئت حاکمه هنوز در پیش است و بالاخره بحران آنها را ناگیری خواهد ساخت که روزی به تسویه حساب با یکیگر برخیزند. اما این که این تسویه حساب به کنترل بحران سیاسی یا تشیید آن خواهد انجامید، وابسته به این مساله است که تا آن زمان جنبش مستقل کارگران و زحمتکشان در کلام مرحله از رشد و اختلاط خود باشد. اگر این جنبش بموضع اعتلاء باقته باشد، چنین تسویه حسابی همراه با چنان بحران سیاسی خواهد شد که توده های مردم ابتکار عمل را از دست تمام جناحهای حکومت خواهند گرفت و جمهوری اسلامی را بهمراه جناحهای آن به زیاله دانی تاریخ خواهند سپرد، والا رژیم عجالاتا بازهم به جیات ننگین خود ادامه خواهد داد و بازهم سیر فقهائی طی خواهد شد.

اخبار کارگری جهان

Victoria به دعوت اتحادیه ملی کارگران NWU در همبستگی با ۱۴۰۰ کارگر اخراجی دست به یک اعتضاب ۳ روزه زند. اقدامات اعتراضی کارگران سرانجام تاثیر خود را بروزیت اقتصادی این کشور گذاشته و بازارهای بورس شاهد کاهش ارزش دلار استرالیا بود. علاوه بر این در حال حاضر بیش از ۱۱ هزار کارگری شرکت بارگیری Patrick در چندین کشتی تجاری در بنادر مختلف استرالیا، در انتظار تخلیه بسر میبینند. این مبارزات کارگران سرانجام روز ۲۱ آوریل به تئیجه رسید و دادگاه عالی این کشور، اخراج کارگران را توطئه ائی از سوی کارفرما، دولت محافظه کار این کشور و اتحادیه باغدانان استرالیا دانست، که با هدف کاهش نقش و نفوذ اتحادیه کارگران بنادر استرالیا MUA انجام شده و میبایست به کارگیری کارگران غیر عضو در این اتحادیه را تسهیل نمینمود. در عین حال این دادگاه کارگر اخراجی را موظف نمود که تمامی ۱۴۰۰ کارگر اخراجی را مجدد استخدام نماید. هرچند کارفرما با فرامخواهی امر استخدام مجدد کارگران اخراجی را به تعویق انداخت و تلاش کرد که به هر قیمتی شده تصمیم دادگاه را زیر پا گذارد، اما کارگران مبارز بنادر استرالیا تا پیروزی قطعی دست از مبارزه بینداشتند. سرانجام روز ۲ شنبه ۴ ماه مه، دادگاه عالی استرالیا حکم دادگاه بلوی را تائید کرد، و کارفرما را وادار نمود که تمامی ۱۴۰۰ کارگر اخراجی را مجدد استخدام نماید.

میخواهند نظم موجود را حفظ کنند، در بطن بحران اقتصادی و سیاسی عمیق موجود نمی توانند با یکیگر کنار بیایند. کشکش و درگیری میان آنها مدام بالا میگیرد و این روند عجالات همچنان ادامه خواهد یافت. چرا که سوای بحرانهای عمومی جامعه، که اجازه کنار آمدن آنها را نمیدهند، هیچیک در موقعیتی نیستند که بر جناح دیگر فاقه آیند و عجالات شکاف درونی را از میان بردارند. جناح مسلط برغم این که ابزارهای اصلی دستگاه دولتی را در اختیار دارد. برغم این که نیروهای مسلح را با خود دارد، برغم این که دستگاه، قضائی را در تیول خود دارد و برغم اینکه در مجلس ارتعاج اسلامی در اکثریت است، از ترس این که مبارز در جریان روانی با جناح رقیب پای مردم به وسط ماجرا کشیده شود و بحران عمیق تر و غیر قابل کنترلی پیش آید، هنوز در وضعیتی نیست که با تصویبه درونی حکومت بر رقبای خود فاقه آید و از این طریق بحران را حل کند، لذا منتظر گشت زمان و فرصت مناسب است، یعنی شرایطی پیش آید که ناتوانی خاتمه در پیشبرد سیاستهایش کاملا بر مردم روشن شده باشد و پوچ بودن و عدد هایش را ممکن بینند، تا آنکه دست بکار شود با استفاده از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارد، حتی اگر ضرورتش لیجان کرد از ابزارهای نظامی هم استفاده کند و جناحهای رقیب را مهار کند و برآنها فاقه آید.

جناحهای طرفدار خاتمی هم نمیتوانند عجالات براین جناح

تلاش نمود از طریق تفرقه افکنی در ایرلند و تبدیل نمودن یک مبارزه ملی به جنگی فرقه ای - مذهبی، حمایت از جناح های طوفان خود در ایرلند، و مداخله و سرکوب نظامی طی سی سال گذشته، مردم ایرلند و خواستهای آنها را سرکوب کند. اما توفیقی دراین زمینه نیافت و توهه میان مبارزه کشیده شنند. دراین مبارزه، ارتش جمهوری خواه ایرلند و شاخه سیاسی آن شین فین نقش برجسته ای ایفا نمودند. از سوی دیگر گسترش فقر و بدبختی در میان مردم ایرلند شمالی، توهه های زحمتکش را در مبارزه علیه بورژوازی و سلطه انگلیس راسخ تر ساخت. دری این مبارزات است که دولت انگلیس ناگیر میشود امیتیازاتی بدهد و توافقانی ولو نیم بند را پسندید که مردم ایرلند شمالی فرستنگها را صلح دارد. بیهی است که «صلح» مورد نظر انگلیس، ادامه سلطه و ستمگری با روش های دیگر است. حصول به یک صلح دمکراتیک، عادلانه و واقعی تنها از طریق برسمیت شناختن بی چون و چرا حق تعیین سرنوشت برای مردم ایرلند شمالی ممکن خواهد بود.

چشم انداز بحران سیاسی

مواضع این جناح ها مورد تائید و حمایت بورژوازی اپوزیسیون، قدرتهای امپریالیست جهان و قدرتهای منطقه ای نیز هست. معضل این جناح عجالات در این است که اهرم های اصلی قدرت را برای پیشبرد برخی از سیاستهای خود ندارد و جناحهای رقیب با در اختیار داشتن اهمیات اصلی قدرت، سیاست آنها را تا جانی که مخالف آن باشند خشی میکنند.

در مقابل این جناحها، جناح دیگری قرار گرفته که میخواهد با متمرکز کردن هر چه بیشتر قدرت در دست خود، حفظ و تامین هژمونی دستگاه روحانیت در رهبری سیاسی، اجرای اکید موافذین شرعی و اسلامی در جامعه، و خلاصه کلام ادامه حکومت با همان شیوه های گذشته، سلب تمام آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم و سرکوب و اختناق بیشتر اوضاع را مهار کند. اینان از آنجایی که عملنا منافع بورژوازی تجاری را نمایندگی میکنند و مشارکت قشری روحانیت را مدنظر دارند، نیاز چنانی به مشارکت همه جناحهای بورژوازی در اداره امور نمی بینند. لذا آزادی عمل آنها را نیز محدود میکنند. این جناح برغم این که تضادی جلی با امپریالیسم ندارد و اساسا حیات و زندگی انگلیس بورژوازی تجاری و دستگاه روحانیت، با مبادله تجاری و رابطه با احتصارات جهانی گره خوده است، معهذا از زاویه فشریت اسلامی و هراس از رسوخ ایده ها و فرهنگ غربی، و نیز داعیه رهبری جهان اسلام در نبرد علیه کفر و الحاد فرنگی، از موضوعی ارتتعاجی با امپریالیسم تضاد دارد.

این جناح که شدیدا مورد تنفس عموم مردم قرار دارد و در میان مردم کاملا منفرد است، ابزارهای اصلی قدرت دولتی را در دست خود گرفته و با تکیه بر همین ابزارها موقعیت خود را به عنوان جناح مسلط هیئت حاکمه حفظ کرده است. با توضیح سیاستهای این جناح های رقیب روشن میگردد که چرا آنها برغم این که هر دو

به آدرس‌های جدیدسازمان توجه کنید!

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان
را به آدرس‌های زیر پست کنند.

هلند

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

سوئیس

Sepehry
Postlagernd 4018 Basel
Switzerland

سوئد

I . S . F
Postbox 50057
10405 Stockholm
Sweden

دانمارک

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

اطروش

I . S . V . W
Postfach 122
Postament 1061 , Wien
Oosterijk

فرانسه

A . A . A
MBE 219
208 , rue de la convention
75015 Paris
France

یاد داشتهای سیاسی

جمهوری اسلامی مانور مطبوعاتی را هم برنمی قابد!

جنبه هایی از حقوق زنان را نیز بیان میکشند.
مرتعین حاکم و قبل از همه جناح شکست خورده اما
این وضعیت را که در تلاوم آن مرگ خویش را میبیند،
برنی تابند. آنها قصیه را این طور می بینند که اگر
قرار باشد ولو اندک و فقط ذره ای امکان مانور به
مطبوعات داده شود، اندک اندک کنترل مستله، بکلی از

دست رژیم خارج میشود. چنین است که برطبل سرکوب
واختنای بیشتر میکویند وبا استفاده از اهرم هایی که
در دست دارند، زمینه تشیید فشار بیشتر بر مطبوعات
نویسندها و خبرنگاران را فراهم میسازند. همه گان از

نقشه های مرتعین در تشیید جو سرکوب و خفغان بر
جامعه وزمینه چنی آنها برای تشیید بیش از پیش
فشار بر مطبوعات و کارکنان آنها با خبرند و درهیمن
فاصله کوتاه یک و نیم ماهه سال جلید، بارها شاهد

اینگونه تحركات بوده اند. در نهضتی روز فروردین
دریامی که خامنه ای فرستاد، بال لحن تن و تیزی به
مطبوعات و خبرنگاران حمله کرد وبا واژه هایی چن

«خانن» و «مزدور» از آنها یاد نمود. خامنه ای دریام
خویش، فضای مطبوعاتی را فضای «به شدت ناسالم»
خواند و آنها را تهدید کرد تا از «سمپاشی» و

«زره اشانی» های خود دست بردارند که اگر چنین
نکنند، «مردم خودشان!» تکلیف آنها را روشن خواهند
کرد. بنتیاب آن آنای بیزدی، مرتاج سرشناس و قاضی
القضات حکومت اسلامی که خود صاحب حکومتی است

در حکومت اسلامی و هر کاری که دلش میخواهد میکند
و به کسی هم پاسخگو نیست و حتی اگر خبرنگاری هم به
خودش اجازه! بدهد واز وی سوال کند، تحت تعقیب
وییگرد قرار میگیرد و به زنان می افتد، کراها در

سخنان و قیحانه خود واز جمله در اولین نماز جمعه سال
جلید، آشکارا به تهدید و ارعاب مطبوعات پرداخت واز

آنها خواست که از «تعانلوخاخص» دست بردارند ویش
از این به «مقسات!»، «توهین» نکند. همه گان شاهد

تشیید فشار بر جامعه مطبوعاتی، دستگیری روزنامه
نگاران و تهدید خبرنگاران بودند واز جمله شاهد بودند که

مسئول هفته نامه «فکر» به جرم چاپ چند عکس زن

صفحه ۱۳

کمک های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز ورسید آنرا به همراه کد
موردنظریمیکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

پست الکترونیک E-Mail :

info@fadaai-minority.org <http://www.fadaai-minority.org>

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹-۶۹-۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fadaai-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 313, may1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

ماه گذشته مجلس ارجاع طرح الحق بندی را به ماده
شش قانون مطبوعات به تصویب رساند که بموجب آن،
«استفاده ایزرا از زن در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین
به جنس زن، تغییر به تشریفات و تجملات، ایجاد تضاد
بین زن و مرد از طریق دفاع خارج از موازن شرعی
وقانونی از حقق آن» ممنوع اعلام شده است.

تصویب این طرح چند پهلو ویر ایهام، اگرچه بتحوی
تنظيم یافته است تا مثلا «احترام» به زنان را القا کند،
اما درواقع امر، صور جوازی است برای نیروهای
سرکوب رژیم تا از سرواح هر واڑ آن، علیه مطبوعات
دست بکار شوند. این طرح در اساس علیه مطبوعات
ویرای محدودیت بیشتر آنهاست. این طرح علیه زنان
ویرای تشیید بی حقوقی زنان ونه «احترام» به آنهاست
وپلاخره این طرح علیه روزنامه ها و نشریات و کسانی
است که بخود جرات داده اند و راجع به زنان و حقوق زنان
هم مطالبی نوشته اند.

امروز هر کس این را میداند که در درود خرد و تحولات
بعد از آن، توازن قوا به نفع جناحی از حکومت بهم
خورد که ادامه شیوه های گذشته حکومتی را مضر به
حال اسلام وبقاء جمهوری اسلامی میداند. در برای
جناحی که چشم به گذشته وشیوه های گذشته دارد، این
جناح میکوشد با لیجان اندک تعیلی در فشارهای سیاسی
و دادن امکان مانور به طرفداران قانون اساسی و ملتزمین
به ولایت فقیه، موقعیت قبلى و لایت قبیه را بکلی فرو ریخت.
رژیم را باز سازی کند و جمهوری اسلامی را نجات دهد.
پیروزی این جناح اگر چه اتوریته ای برای آن وسارت
نیافرید، راست اینست که اما اتوریته سران جناح خاتمه
ویه یک معنی اتوریته و لایت قبیه را بکلی فرو ریخت.
مزید برآن، بحران حاد سیاسی حاصله از پیروزی جناح
خاتمه و تشیید اختلافات آن با جناح رقیب، بحران
حکومتی را بیش از پیش دامن زد و تضعیف قدرت
سیاسی را دریی داشت. در چنین فضا و شرایطی است که
حضور مستقلانه مردم در صحنه سیاسی نمود بیشتری
پیدا میکند وباره ای مطبوعات البته در چارچوب نظام،
اندک نفسی میکشدند و اگر روزنامه ای می بینند، از همان
روزنامه بحث و انتقاد خود را نیز مطرح میکنند و بعضی